

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با ادبیات معاصر آذربایجان (۱)

دکتر صدیق

۹

هویت آذربایجان

اثر: مهندس امید نیايش

انتشارات زوفا

۱۳۸۱

نیايش، اميد، ۱۳۵۶ -

دکتر صدیق و هویت آذربایجان (شرح احوال و آثار استاد دکتر حسین محمدزاده صدیق) / اثر اميد نیايش. - تهران: زوفا، ۱۳۸۱.
[۹۵] ص. - (با ادبیات معاصر آذربایجان؛ ۱)

ISBN 964-7229-20-8

فهرستنويسي بر اساس اطلاعات فبيا.

كتابنامه: ص. [۹۵] همچنین به صورت زير نويس.
۱. محمدزاده صدیق، حسین، ۱۳۲۴ - ۲. آذربایجان -- زبانها.
۳. زبان تركي آذربایجانی -- ايران. الف. عنوان.

۸۹۴/۳۶۱۱

PL۳۱۴/۲۳ م۵۸

ن۳۴۶/م

۸۱-۱۴۳۸۵

كتابخانه ملي ايران

۴	به جاي مقدمه
۶	فصل ۱- مروري بر پيشينه زبان و ادبیات تركی
۱۵	فصل ۲- با ادبیات معاصر آذربایجان
۲۸	فصل ۳- زندگی دکتر صدیق
۲۹	- نگاهی به تاريخ
۳۱	- دوران کودکی
۳۲	- از معلمی تا زندان
۳۳	- سالهای اسارت
۳۴	- از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷
۳۵	- آثار ترجمه
۳۸	- سالهای انقلاب
۳۸	- سفرهای باکو و ترکیه
۴۰	- از ۱۳۶۲ تا امروز
۴۲	فصل ۴- بررسی آثار دکتر صدیق
۷۱	فصل ۵- قارامجموعه
۷۹	فصل ۶- دکتر صدیق و آذربایجان
۸۸	سخن آخر
۹۵	منابع

● عنوان کتاب: دکتر صدیق و هویت آذربایجان (شرح احوال و آثار
استاد دکتر حسین محمدزاده صدیق)

● نویسنده: اميد نیايش

● حروفچيني: مؤسسه فرهنگي سحر

● صفحه آرائي: ستار صدیق

● چاپ اول: ۱۳۸۱

● لیتوگرافی، چاپ و صحافی: پیام

● تبریز: ۲۰۰۰

● شابک ۸-۲۰-۸-۷۲۲۹-۹۶۴

● ISBN 964-7229-20-8

● انتشارات زوفا

○ تهران - صندوق پستی ۱۳۱۸۵-۷۳۱

○ تلفن ۶۴۳۲۶۵۴ - ۶۹۴۱۵۴۷

به جای مقدمه

ایران یک بعدی، ایرانی که به زور متحده‌شکل شود ایرانی مرده است؟ زیبایی ایران، به همین تنوع فرهنگی است و قدرت آن نیز همچنین. آنچه را که محصول هزاره‌هاست، نمی‌توان یک شبه و به زور تغییر داد و این البته عصیان بر علیه تمامی قوانین بشری و طبیعت است.

پیوند‌هایی که مردم ایران را به هم ارتباط داده بسیار محکم‌تر از آن است که دوستان ملی‌گرای ما کودکانه در کابوس گیستن آنند و شاید آبשخوری دیگر این افکار را در برخی تزریق و تلقین می‌کند.

در خانواده دکتر صدیق، هر دو زبان فارسی و ترکی و نیز فرهنگ‌های دو قومیت توأمًا و در کنار هم، همزیستی می‌کنند. در حقیقت خانواده وی مهمترین دلیل بر این مدعای است که امکان همزیستی برابر و مسالمت‌آمیز دو فرهنگ فارسی و ترکی در شرایط یکسان در داخل کشور وجود دارد، بدون آنکه کشور را به سوی فروپاشی سوق دهد، چرا که خانواده که حساس‌ترین نهاد اجتماعی است براحتی خود را با این همزیستی وفق داده است بدون آنکه حتی گامی به سوی فروپاشی بردارد.

من در این کتابچه کوشیده‌ام با تکیه به پهنه علمی چند بعدی و وسیع دکتر صدیق، نشانی از نقش وی در جنبش فرهنگی آذربایجان در روزگار ما، به دست دهم تا شاید بعضی‌ها که با استناد به منابع جهت‌دار خارجی و ترجمه کلیشه‌ای آنها دچار غلط‌گوئی‌های فاحشی درباره شخصیت‌های منحصر بفرد علمی ما می‌شوند، به گفتمان منطقی و تحلیل‌های اصولی روی آورند. ضمناً در موضوع مورد بحث دین خود را بطور کامل ادا شده حساب نمی‌کنم.

مهندس امید نیایش
تهران - ۱۳۸۱

اکنون بیش از ۱۰ سال است که او را می‌شناسم. سخنور، پرانرژی و بیش از اندازه رک‌گو. شاید همین رک‌گوبی‌اش باعث رنجش کسانی باشد که با روحیات و ضمیر او آشنا نیستند، یا در بی منافعی خاص می‌باشند.

اعتماد به نفس «دکتر صدیق» همواره قابل تحسین است. زندگی ادبی خود را بارها و بارها از صفر شروع کرده و همیشه نیز، جایگاه علمی مطلوبی را که شایسته است بدست آورده است. شاید بارها و بارها از مرزهای اعتبار شخصی خود برای عقایدش گذشته، اما هرگز مرزهای آرمانش را پشت سر نگذاشته است. صدیق را باید تجسم یک عمر مبارزه با ملی‌گرایی کور و شوونیسم دانست.

ملی‌گرایی و تعصب کور ملی عقیده‌ای مرده و در عین حال مهلك است. ملی‌گرایی را نه انقلابی بر می‌تابد که خون هزاران شهید آن را به ثمر رسانده و نه جهان امروز و قالبهای نوین که ارتباطات، بسیار گسترش یافته است.

مسئله آذربایجان مسئله بغرنجی نیست، نه تجزیه و نه تهدید و نه خطری در میان است.

مسئله آذربایجان مسئله فرهنگی و حقوق مردمی است که خود قانون اساسی حدود آن را تصریح کرده و به رسمیت شناخته است. اما آنچه تاکنون جلوی این مسئله را گرفته و آن را به افراط‌گرایی سوق داده است افکار نویسنده‌گان کتابهایی چون «روشنفکران آذربای...» است. اینان گویا هنوز اسیر قالبهای تنگ نظرانه ذهنی قرون ۱۸ و ۱۹ هستند و خود را از آرایی بازیهای هیتلری و پهلوی بازیهای رضاشاه توانسته‌اند برهانند.

زبان ترکی توسط اقوام ساکن در اراضی این بیضی فرضی ابداع و متكامل شده است (اوغوز سلطنتی - آلتای ممدوف).

تحقیقات علمی نشان می دهد که نخستین تمدنها بشری، الفبا، ادبیات، دولت و حقوق و ریشه و پایه بسیاری از علوم معاصر توسط اقوام التصاقی زبان بنیادگذاری شده است.

اقوام متعدد التصاقی زبان در طی سدها و هزاره‌ها، در اثر مهاجرتهای متعدد از سرزمین مادری (آسیای میانه) از یکدیگر جدا شده و در سرزمینهای جدید و در اثر قطع ارتباط با سرزمین، فرهنگ و زبان مادر تدریجیاً گوشها، لهجه‌ها و نهایتاً زبانهای جدید پدید آورده‌اند. به عبارت دیگر همه اقوام معاصر التصاقی زبان یا اورال - آلتایی و اقوام باستانی این گروه که به صفحات تاریخ پیوسته‌اند، از یک قوم مادر جداگشته و طبعاً خویشاوندان هم‌دیگر به شمار می‌آیند.

تقسیم بندي امروزی زبانهای التصاقی به صورت زیر ارائه می‌گردد:
 زبانهای اورال آلتای شامل دو بخش «اورال» و «آلتای» است. زبانهای اورال به دو شاخه «ساموئید» و «فین اوغوز» تقسیم می‌شود. زبانهای اوغوز «شامل «مجاری» و «فنلاندی» می‌باشد.
 زبانهای آلتای نیز به دو شاخه‌ی «تونگوز» و «پروتوترک» تقسیم می‌شود. از گروه اول زبانهای «تونگوز» و «مانچو» جدا شده و از گروه دوم زبانهای «ترکی» و «چوواشی» انشعاب یافته است.

اساس این تقسیم بندي را دو محقق به نامهای «کاسترن» و «شات» بنیاد نهاده‌اند و تقسیم بندي‌های دیگری نیز با برخی تفاوت‌ها موجود می‌باشد.
 مسئله‌ای که غالب این تقسیم بندي‌ها را دیگری نیز با برخی تفاوت‌ها نظیر سومری، ایلامی و... و ننمودن جایگاه زبانهای التصاقی باستانی نظری نقص کرده، مشخص ارتباطشان با زبانهای معاصر اورال - آلتای می‌باشد. غالب توجه است که «مار» زبان شناس معروف روس، زبان چوواشی را از سویی به عنوان پلی بین زبانهای دو شاخه فین-اوغوز و ترکی بشمار می‌آورد و از سویی دیگر به دلیل

فصل ۱

مروری بر پیشینه زبان و ادبیات ترکی

امروزه زبان را به عنوان اساسی‌ترین مشخصه هویتی هر قوم می‌شناسند. به عبارتی با مرگ زبان یک ملت، فروغ حیات معنویش نیز به خاموشی می‌گراید. از این‌رو هر ملتی با تمام توان و به هر قیمتی، زبان خود را که میراث گرانقدر از نیاکانش است، حفظ و پاسداری می‌نماید. در واقع زبانها میراث مشترک تمام ابناه بشر محسوب می‌شود و با مرگ هر زبانی یکی از گنجینه‌های بشری که تکاملش یادگار قرنها و میراث نسلهاست نابود می‌گردد.

زبان ترکی که بیشترین اهل تکلم را در ایران دارد، از زبانهای دیربای این سرزمین است و قدرت بیان و استحکام گرامریش، آن را بصورت یکی از زبانهای تراز اول دنیا درآورده است. متأسفانه این زبان هنوز نتوانسته خود را از مزاحمت‌های شوونیستی که ریشه در ۵۰ سال فارسی‌گرایی پهلوی دارد برهاند و هنوز نیز دستهای ناپاکی سعی در اضمحلال و نابودی آن دارد.

نفوذ زبان و ادبیات ترکی در زبان و ادبیات فارسی و بطور کلی در فرهنگ ایران بسیار عمیق و دیرپاست و به همین دلیل باید گفت ترکی نه فقط به ترک تباران این مرز و بوم، که به تمام ایرانیان تعلق دارد و وظیفه پاسداری از این میراث مشترک ایران بر عهده تمام مردمانش می‌باشد.

سپیده دم زبان ترکی همانند صفحات نخستین تاریخ ترکان، برای ما ناشناخته است.

لیکن این زبان به عنوان یکی از زبانهای التصاقی، تاریخی هزاران ساله دارد. اگر دریای خزر و آزال را به صورت دو کانون بیضی در نظر بگیریم،

قدرت از طوایف گؤی تورک به اویغورها پا به عرصه وجود نهاده است و مشخصات آنرا می‌توان در کتیبه «مویونچور» آشکارا ملاحظه کرد.

۴- دوره ترکی میانه: قرون ۱۰ - ۱۵ میلادی را شامل می‌گردد. در ابتدای این دوره می‌توان لهجه‌های زبان ترکی را به دو گروه ترکی غرب یا ترکی آذربایجانی - عثمانی، و ترکی شرق که ترکی مشترک ترکان آسیای میانه بوده است، تقسیم نمود.

ترکی غرب یا ترکی اوغوز به لهجه‌ای اطلاق می‌شود که فرزندان قوم اوغوز بدان تکلم می‌کردند. نسل کنونی این قوم، مردم ترک تبار ایران، ترکیه، و ترکان اروپا، عراق، سوریه و ... می‌باشند. اوغوزها در زمان امپراطوری گؤی تورک مهمترین قوم امپراطوری به شمار می‌آمدند و خصوصیات لهجه اوغوز در سنگ نبشته‌های اورخون آشکار است.

ترکی شرقی را باید ترکی خاقانی نامید که زبان رسمی حکومت «قاراخانیان» بود و زبان محاوره مردم کاشغر و بالاساغون. و از این‌رو ترکی کاشغری نیز خوانده می‌شد. قاراخانیان اکثراً از طوایف اویغور و قارلوق بودند و لهجه اویغور تفاوت اندکی با لهجه خاقانی داشت. این زبان تا تشکیل لهجه جغتای زبان ادبی مشترک آسیای میانه بوده و آثار ارزشمندی چون قوتادغوبیلیگ و عتبةالحقایق به این زبان نگاشته شده است.

پس از قرن ۱۲ در منطقه خوارزم، ترکی خاقانی تحت تأثیر لهجه‌های اوغوز، قبچاق و قانقلی تغییراتی یافته، ترکی خوارزمی پای به میدان می‌گذارد که برخی مؤلفین آن را به مثابه پلی میان ترکی خاقانی و ترکی جغتایی که از قرن ۱۴ در ترکستان ظهرور یافت می‌دانند. ترکی جغتایی که تأثیرات زیادی از ترکی غربی به ویژه آذربایجانی دریافت داشته بود، بر اساس زبان محاوره اولوس جغتای و به همت امیر علیشیر نوایی به عرصه ادبیات ترکی پای نهاد.

در ترکی خوارزمی آثاری چون نهج الفرادیس، معین المرید، محبت نامه

سیلابیک (هجایی) بودن این زبان، منسوبیت آن را به زبانهای باستانی اسکیت (ساکا) و سومری حتمی می‌داند (تاریخ زبان ترکی - رضا کسگین). دوره‌های مطالعه زبان ترکی شامل ۵ مرحله است:

۱- دوران ماوراء تاریخ - ۲- دوره هون - ۳- دوره ترکی باستان - ۴- دوره ترکی میانی - ۵- دوره ترکی معاصر؛ که شرح مختصری از هر یک از مراحل فوق ارائه می‌شود:

۱- دوران ماوراء تاریخ: اطلاعات چندانی از این دوران در دست نیست و خود به ۴ دوره: (الف) ماوراء تاریخ، (ب) پیدایش السنه النصاقی، (ج) آلتایی (د) ترکی مادر تقسیم می‌گردد.

۲- دوره هون: که پس از عصر ترکی مادر آغاز شده تا قرن ۵ میلادی ادامه پیدا می‌کند و از نظر سیاسی با استقرار امپراطوری‌ها و دولتهای ترک تبار هون مقارن است.

۳- دوره ترکی باستان: که قرون ۵ - ۱۰ میلادی را در بر می‌گیرد و با دو امپراطوری بزرگ ترک یعنی امپراطوری‌های گؤی تورک و اویغور هم دوره است.

در دوره خاقانات «گؤی تورک» که کتیبه‌های ارزشمند «اورخون» از یادگارهای آن است، زبان ادبی واحدی در میان قبایل و طوایف ترک تابع امپراطوری موجود بوده و سنگ نبشته‌های بر جای مانده از این امپراطوری نیز بر مبنای همین زبان ادبی نگاشته شده است.

این زبان ادبی که ابتدا در کتیبه‌های اورخون به شکل مکتوب ثبت گردیده، بعدها با تغییراتی معین در سنگ نبشته‌های اویغور و متون دیگر نیز به کار رفته است.

زبان اویغور، ادامه ترکی گؤی تورک محسوب می‌شود و پس از جاچایی

تو، آداب و سنت تو را نابود سازد؟
ای ملت ترک تکانی بینوش و به خویش آی!

از عتبه الحقایق (نمونه ترکی خاقانی):

ادیب احمد آدمیم ادب پند سؤزوم
سؤزوم موندا قالور بارور بو اوژوم
کلور کوز کچیر یاز بارور بو عؤمور
توكه تور عؤمورنی بو یازوم کوزوم

برگردان آذری:

ادیب احمد آدمیم، ادب پند سؤزوم
سؤزوم بوندا قالیر گئدیر بو اوژوم (جانیم)
گلیر گوز (پاییز) کچیر یاز گئدیر بو عؤمور
فور تاریر عؤمورو بو یازیم گوزوم.

نمونه‌ای از مولانا جلال الدین مولوی (قرن ۱۳- ترکی غربی)
چلی دیر قامو دیر لیک، چله گل، هه گرمن،
چلبی قوللارین ایستره، چلبی نی هه سانورسن؟
نه اوغوردور، نه اوغوردور، چلب آغزند اقیغیرماق
قولاغون آچ، قولاغون آچ، بولاکیم آندا دالورسان

از اشعار امیر علیشیر نوایی (نمونه ترکی جغتاوی):

لعلی دین جانیمغا اودلا ریاقلور
فاشی قددیم نی جفادین یا قیلور
مین وفا سی وعده سی دین شاد مین
اول وفا بیلمن کی قیلماس یا قیلور

خوارزمی، کتاب لغت مقدمه الادب زمخشری، کتاب لغت محمد بن قیس،
حسرو و شیرین قطب و ... و در ترکی جغتاوی آثاری چون خمسه نوایی،
اشعار بابر و ثبات العاجزین خلق گردیدند.

از مهمترین آثار ترکی اوغوز در این دوره می‌توان کتاب «دده قورقورد» را
نام برد که احتمالاً در قرن پنجم هجری شکل مکتوب به خود گرفته است.
ترکی قیچاق که از نام قوم قیچاق برگرفته شده، زبان منطقه دشت قیچاق
(آلتن اوردو) و نیز ممالیک مصر بوده است.

۵- دوره ترکی جدید: ادامه ترکی میانه است که از قرن نهم هجری آغاز
شده و تا کنون ادامه دارد و طی آن لهجه‌های متعدد زبان ترکی به شکلی که
امروزه می‌بینیم تکامل یافته‌اند.

در تقسیم بندی فوق از نظریات مرحوم پروفسور فرهاد زینالزاده سود
جسته‌ایم. مطابق نظر پروفسور زینالزاده ترکی در آذربایجان سابقه‌ای هفت
هزار ساله دارد؛ زبان ترکی مادر که در ماوراء تاریخ خفته است بنیاد همه
زبانها، نیم زبانها، گویشها و لهجه‌های تزاره‌های قبل و بعد از میلاد
است.

اینک مثالهایی کوتاه از تاریخ بلند و پربار زبان ترکی ارائه می‌گردد.

از سنگنبشته‌های اورخون

(نمونه ترکی گئی تورک- نیمه نخست قرن ۸ میلادی):

تورک اوغوز بگلاری، بودون اشیدینگ: اوژه تئنگری باسماسار، آسراییر هه لینمه
سه ر، تورک بودون، ایلینگینگ، تئرونگین کیم آرتانی؟ اوداچی ائرتی. تورک بودن
اوگون!

ترجمه - ای بیگهای ترک اوغوز، مردم گوش فرادارید: مادام که آسمان فرو
نریزد، و زمین زیر پایت شکافته نگردد، ای ملت ترک، چه کسی خواهد توانست ایل

دوشدو یئنه ده لى كؤنول گۈزلىرى نين خىاليه،
كيم ھ بىلور بو كۈنلۈمۈن فيكىرى ندىر، خىالي نە؟
آل ايله آلا گۈزلىرىن آلدادى آلدى كۈنلۈمۈ،
آلىيى گۆر ھ آل اندر كىمسە ايرىشمىز آل يە
گۈزلىرىھ اسیر اولان - حالىنى اول دور آنلايان،
كىم كى بو حاله دوشىمەدى قوى وارا كندو حالىه،
قىيمىتىنى دوداغى نىن دگەمە، خىسيه سورما كىم،
من يىلورم نە جان ايله سوسامىشام زولايان.
بۈز ايله فاشىنى گۈرەن فارشى بە فارشۇ، گۈز بە گۈز
سانماكى، باخا اول كۈنول بىرىنە و هالايانه.
حسن و جمال و صورتىن مەجلىسى توركە مال اىدر،
شرح و بيان و وصفلە عقل ايرەمز كمالىيە.
عاشقى صادقىن قانى يارە حلالىميش ولى
گىرسە اىگر دوا دىگىل دىلر اوونون وبالىيە

از ديوان فضولي (قرن ۱۶ م.- تركى آذرى) :

پريشان حالىن اولدوم سورمادىن حالى پريشانىم
غىمىندىن دردە دوشىم قىلمادىن تىميرى درمانىم
ھ دئرسىن روزگارىم بؤيىلە مى كىچسىن گۈزلى خانىم
گۈزۈم، جانىم، افدىم، سئۇدىكىم دۇولتلى سلطانىم

دگر هر دم و فاسىز چىخ يايىندان منه مىن اوخ
كىيە شرح ائيلەيم كىم محنت و اندوھ و دردىم چوخ
سنه قالدى مروت سىندىن اوزگە هىچ كىمسەم يوخ
گۈزۈم، جانىم، افدىم، سئۇدىكىم دۇولتلى سلطانىم

دین آقى بىر مغ بېچە-ى ماھ لقاء دور
مېخوارە و بىباڭ
كىم عشقى دين آنин وطنىم دىرى فنادور
سرمىست و ياخام چاڭ
اول چەرە فروغى توشۇن زارتىيەمكە
بىر نوع قويار (ياخار) كىم
ھر كىمسە آنى كۈردى ساغىنلى (چىكىنى) كى يانادور
اوت اىچىنده خاشاك
ھجرىنده يوزى سارغارىيان دم اورا آلماس (دم وورا يىلمزا)
بىچارە نوايى
گوياكى خزان فصىلە (فصىلەنە) بى بىرگ و نوادر
اول بولبول غمناڭ

از اشعار شيخ صفى الدين اردبيلى
اى روتق بهار و چمن گۈل موسن، نە سىن؟
اى اختيار الدن آلان ائلى مى سىن، نە سىن؟
دۇر يوزوندە سېزە خطىن گۈرن، دئير
ريحان، بنۇوشە، سوسن و سېبل موسن، نە سىن؟
خوش جنگجو گىلر گۈزۈمە فاش و كېرىيگىن،
اى گۈزلىرى صراحى، قراوول موسن، نە سىن؟
اى گۈنلۈمۈن خرابەسى، آدولار اويلاخى
دىوانە لىياتاغى، مىگر چۈل موسن، نە سىن؟
افغان و آه دىر گىچە - گۈندۈز ايشىن، صفى!
قمرى مى سىن بو باغدا، بولبول موسن، نە سىن؟

غزلى از عمادالدين نسيمى (تركى آذرى - قرن ۱۴ م.):

فاقتی کؤنلۇن نىن بولۇم ايلە بىلدادا راغىب دىر
گۈزىللىر سەن كىمى اولماز جىفاسىدىن نە واجىب دىر
سەينىن تك نازىنە نازىنە ئىشلەر مناسىب دىر
گۈزۈم، جانىم، افندىم، سئۇدىكىم دۇولتلى سلطانىم

فصل ۲

با ادبیات معاصر آذربایجان

ادبیات معاصر آذربایجان (ایران) مشخصات و مشکلات مخصوص به خود را دارد. علیرغم تمامی انحصارات و تنگ نظری‌ها راه تکاملی خود را پیموده و به جایگاه خاص خود دست یافته است. از ویژگی‌های خاص آن باید به رنگ و بوی سیاسی و مبارزه جویی اش اشاره نمود که زاده محیط سنگین شوونیستی صد ساله اخیر است.

ادبیات ترکان آذربایجان بصورت مكتوب نشر و به میان مردم راه یافته و گاهی در سینه‌ها پنهان گردیده و به هر حال با تمامی فراز و نشیب‌ها همگام با ادبیات دنیا به هزاره سوم پانهاده است.

ادبیات و توان با آن اندیشه‌های مدرن از قرن ۱۹ میلادی به نوشته‌های ترکان عثمانی^۱ و تدریجًا از این طریق به افکار سایر ترک زبانان و از جمله ترکان ایران راه یافت. از جمله تاثیرات عمده این گرایشات، توجه به مسائل اجتماعی و مردمی و نگارش به زبان مردم و نیز پالودن ترکی از کلمات عربی و فارسی بود که حضورشان باعث ثقل نوشته و دوری از زبان گفتار مردم می‌شد.

روشنفکران ترک، افکار آزادیخواهانه و ملّى را در آثار خود ترویج می‌کردند. شعرایی چون عندلیب قره‌چه‌داغی، حیران خانم، نباتی،

فضولی شیوه‌ی احسانین ایستر میر گد این دبر
دېرىلدىكىچە سىگى - كويىن، اولىدە خاكى - پايىن دىر
گرگ اولىدور گرگ قو حۆكم حۆكمون راي رايىن دىر
گۈزۈم، جانىم، افندىم، سئۇدىكىم دۇولتلى سلطانىم

از ثبات العاجزین (قرن ۱۷ م. - ترکی جغتاوی)

من اوڭىسىم اى جىمبع مەحرىم را ز
منى اوزىگە اولوغ دك قىلىمانىڭ اعزاز
خس و خار اوستىيگە تاشلاپ توپىنگ خوار
بەھايم جىسمى دك مەدين قىلىنىڭ عار
گۈزىنگىز دين چىقارمانىڭ قەطىرە اى ياش
جنازەم آرقاسىدىن آتىنگىز تاش

۱. در این میان نباید نقش ترکان فرقه‌ز را که از طریق ادبیات روسی با افکار و اندیشه‌های اروپایی آشنا می‌شدند، نادیده گرفت.

حضرت دیدار سروده اند که مهمترین این شاعران «شهریار» ملک سخن می باشد.

ادبیات حضرت ابتدا در ادبیات فولکلوریک رخ می نماید:

آزادی آییردیلار	قومونان دویوردولار
من سیزدن آیریلمازدیم	ظلمونن آییردیلار

و سپس به آثار شعرای کلاسیک راه یافته و امروز از شاخه های پربار ادبیات آذربایجان به شمار می آید.

سیر تکاملی ادبیات آذربایجان با ظهر رضا شاه پهلوی و دیکتاتوری شوونیستی وی متوقف و دچار رکود شد. نشریات ترکی تو قیف و نگارش به زبان ترکی ممنوع گردید. در مدارس نیز صحبت کردن به زبان مادری ممنوع بود و طفلانی که از این قانون قرون وسطایی سرپیچی می کردند، جریمه می شدند.

هویت، تاریخ و زبان ترکان ایران با تئوری های ساختگی انکار شد و فارسگرایی و پان ایرانیسم و ناسیونالیسم کور چسب ناچسبی شد برای وحدت ملی و البته برای به قربانگاه بردن اقوام ایرانی غیر فارس و به ویژه ترکان.

برخی شعرای آذربایجانی در این دوره، با وجود تمام تضییقات و خطرات، همچنان به زبان مادری نگاشتند و حتی برخی، آثار خود را نیز مخفیانه منتشر نمودند. هر چند، این دوره از ادبیات آذربایجان را باید به تعییر دوستی، «ادبیات کشویی» لقب داد.

در میان شعرای ترکی گوی این دوره باید از شاعر مبارز، معجز شیستری یاد کرد. او که بخشی از جوانی خود را در استانبول سپری کرده و از نزدیک با اندیشه ها و افکار نوین آشنا شده بود، در بازگشت به وطن، همچون صابر زبان طنز را سلاح خود قرار داد و به انتقاد از ارتقای و استبداد پرداخت و به

شکوهی، هیدجی، خلیخالی و لعلی در اشعار خود از احتیاجات و زندگی مردم سخن گفته و معارف، آزادیخواهی و وطی دوستی را تبلیغ می نمودند.

میرزا حسن رشدیه در ۱۸۹۳ م. برای اولین بار در شهر تبریز، دستان را برپانمود. کتابی تحت عنوان «وطن دیلی» را به زبان ترکی برای فرزندان آذربایجان تدوین، و سپس ترجمه همین کتاب را به زبان فارسی برای فارسی زبانان نشر نمود.

آثار رشدیه و طالبوف، زین العابدین مراغه‌ای، میرزا آقا تبریزی و ... زمینه فکری انقلاب مشروطه را فراهم می ساخت.

ادبیات مشروطه متفاوت از ادبیات کلاسیک گذشته، شعر را به میان مردم می آورد و آنان را مخاطب قرار می داد. مضمون آن انقلابی و اجتماعی، و زبان آن ساده بود. در این زمینه، باید به مکتب ملانصرالدین اشاره کرد که بارزترین چهره های ادبی آن میرزا علی اکبر صابر و جلیل محمد قلیزاده بودند و نه تنها در ادبیات آذربایجانی که در ادبیات فارسی مشروطه تأثیرات عمده ای بر جای گذاشتند.

اشعار صابر که در ملانصرالدین چاپ می شد در نقاط مختلف آذربایجان دست به دست می گشت و مجاهدان سنگرهای تبریز با خواندن این اشعار نیرو و امید می گرفتند.

زبان شعر صابر بیشتر طنز بود و اشعارش در میان تمام ترک زبانان طرفدار داشت.

منظاره و مشاعره هفته نامه «آذربایجان» در تبریز با ملانصرالدین و شاعر شیرین سخشن مشهور است.

وقایع تأسف بار ۱۸۲۸ م. و تحمل جدایی و فراق به مردم آذربایجان، زخمی عمیق بر سینه این مردمان زد که تأثیرات آن را در ادبیاتی به نام «ادبیات حسرت» می توان دید.

شعرای این مکتب داغ دل خود را بر اشعار جاری ساخته و روی سخن به «آزار» که سمبول این جدایی است گرفته هزاران شعر و غزل با مضامین فراق و

گوشنین شوقیله دیل آچدی وطن
غنجه لندي گول لر، بزندی چمن^(۱)

و هلال ناصر در شعر آذربایجان به گذشته پر از افتخارات سرزمین خویش
می نازد:

نظمی تک شاعرین وار، دونیا اونا فخر اندیر.
صابری نین دوزلو سوزون دوشمن گورور قهر اندیر.
خاقانی لر، ختائی لر، فضولی لر، سئحر اندیر،
وافق کیمی، شاعیر لردن دیوانلارین وار سین.
مدیت تاریخینده انسانلارین وار سین.^(۲)

لیکن استبداد و استعمار ناخشنود از این نغمه‌ها، دیپلماسی نفت و دلار را
بکار می‌گیرد و بزودی هزاران آذربایجانی بخون خود غلطان می‌گردند. رژیم
پهلوی که حتی از کتابهای ترکی نیز وحشت داشت، دست به کتابسوزی
بی‌مانندی می‌زند که خاطره آن همواره در صفحات سیاه تاریخ باقی خواهد
ماند.

تمام کتب ترکی بدون توجه به مضمون و محتوای آن گردآوری و سوزانده
می‌شود و نویسنده‌گان و شعرای ترکی‌گوی محبوس و تبعید می‌گردند.
و از این هنگام ادبیاتی تحت عنوان «ادبیات مقاومت» خلق می‌گردد که
بزرگترین نماینده آن حبیب ساهر سمبل شعر مقاومت آذربایجان می‌باشد.
ساهر پاییز آزادی را به خاطر می‌آورد و نیز پاییزی را که خزان آرزوهای
مردم آذربایجان بود. قلب شاعر را درد غربت و فراق اندوه‌گین می‌سازد و
روزهای خوش و سپس تلخ را چنین ترنم می‌کند:
بیر چوخ خزان گلیب کئچدی

۱. همان ص. ۱۹.

۲. همان ص. ۲۰.

واسطه اشعار انقلابی خود به مازندران تبعید و در همانجا درگذشت.
سرنوشتی که کمایش در انتظار بیشتر شاعران ملی و مبارز آذربایجان
بود.

سال ۱۹۴۱ میلادی مصادف بود با هجوم متفقین به ایران و سقوط
دیکتاتوری سیاه رضاخانی، که طبعاً فضای باز سیاسی را دریی داشت.
روشنفکران آذری با استفاده از فرستاد آمده شروع به طبع روزنامه‌ها
و انتشار کتب به زبان ترکی کردند و دیوانهای شعر قدیمی تجدید چاپ
گردید.

این دوره را که مقارن است با گسترش تئاتر بومی، تصنیف کتب درسی به
زبان ترکی^۱ و تأسیس مجالس ادبی گوناگون، باید عصر طلایی ادبیات ترکی
نامید. مضمون اشعار اکثر شعرای این دوره، آزادی، زیباییهای وطن و حقوق
ملی می‌باشد. بی‌ریا ارتجاج را خطاب قرار داده می‌گوید:

ای اوْلکه‌می ظلم ایله فویان دهرده ویران،
محکوم اوْلا بیلمز سنه بوند ان سورا انسان!
انسان از لیندن یارانیب اشرف خلقت،
لایق دگل، اصلا اوْنا زنجیر اسارت.
فوی بیزده بیر انسان تک اولاچ نائل آمال،
گل اشمہ بیزیم حقیمیزی قهربله پاما.^۲

و مدینه گلگون از طلوع فجر آزادی و زبان مادری سخن می‌گوید:
بوردوما گون دوندو، آچجلدی سحر،
قارانلیق گنجه‌دن قالمادی اثر.

۱. شش کتاب تحت عنوان «آنادیلی» برای تدریس در مقطع ابتدایی تدوین و منتشر
گردید.

۲. به نقل از «شعریمیز زمانلا آدیملا بیر» ص. ۱۷.

آی خسته فوش! آواره گزیر سن بو دیاری،
زنداندی، قفس دی باشا باش، باغی، بهاری.
گوزله اؤزووو، او و چودو هر یانی بو یوردون.
قوزغون کیمی، دئرد گوزلوكزیر، کوپه شکاری.
فرصت دالیسینجا گزیری، ال یئری تاپسا،
وبران قویا جاق یوردونو، آی کوئنگی ساری!^۱

و «ترلان» اینگونه از خزان آرزوهای ملت خود می‌نالد:
او چدو آرزولاریم، گئندی غبار،
گوزلریم دالینجا یئریدی گئندی
وطن سیز نیله ییم دئدیم داغلار،
بو سؤزدن داغلاردا اریدی گئندی.

و «قالاتسی» با دیده حسرت به روزهای آزاد گذشته و مدارس مادری
زبان می‌نگرد:
ائلریم صدقیله یاشایان زمان،
اولمازدی وطنده آهیله، افغان.
بیلیردی انسانین قدرینی انسان،
بخیار چاغلاریم یادیما دوشدو.

اوند آزادلیغین دادینی بیلیدیک،
مظلومون، محرومون گوز یاشین سیلیدیک،
اوز آنادیلیندہ او خودوق، گولدوك

۱. به نقل از شعریمیز زمانلا آددیملا بیر ص ۲۱.

بیر چوخ کروان قونوب کوچدی
بیر خزاند آلوولاندیق
بیر خزاند ا سعید الاندیق
بیر خزاند ا یتیم قالدیق
ان نهایت خولیالارین هاوسینا قانادلاندیق
بیر خزاند ا پارلاق قیزیل گونش دوغدو
بیر خزاند ا بولود گلیب گونو بوغدو.

در اینجا برای آشنایی بیشتر با ادبیات مردمی این دوره، شعری را که
کودکان به عنوان دعای صحّحگاهی در مدارس زمزمه می‌کردند با هم مرور
می‌کنیم:
ای بیزی یوخدان یارادان تانریمیز
سن بیزی لطفونله عنایت ائله
بیزلری دوزگون یولا، دوز ایسلره
قدرت ذاتینلا هدایت ائله
وئر بیزه توفیق که تحصیل ائده ک
علم و ادبله بیزه زینت ائله
خدمت ائده ک بیز آنامیز یوردونا
سن ده اوئی حفظ و حمایت ائله
پاک فیکیر، آیدین اوره ک، ساغ بدن
بیزلره شاؤنله کرامت ائله

در سالهای ترور و خفغان پهلوی، شعرای مردمی آذربایجان به ترنم
حسرت وطن و رنجهای مردم می‌پرداختند.
شاعر «شیدا» از حیات دهشتناک و جوّ تعقیب و ترور ایجاد شده در وطن
خود چنین سخن می‌گوید:

بیلیر سن؟
آنادان دوغولاندابله
اوزوم بیلمه یه - بیلمه یه
دبل آچیپ دانیشدیغیم دیلده
دانیشماغیم یاساق ایمیش، یاساق^(۱)

شاعر مبارز حسین دوزگون در شعر «منی هارا آتیرسان» اینگونه از ممنوعیت زبان مادری و انکار هویت، و غربت غیر قابل تحمل مردم خویش شکوه سر می کند و اشک می ریزد:

منیم شعریم، منیم سؤزووم،
اللریمه چاتماییدیر.
انتظاردا سوسوب گؤزووم
یاد ائللى نین یالانی دا،
اوره گیمه یاتماییدیر.
اوزیوردومدا، اوز او بامدا،
غريب گزیب، دانیلیمیشام.
قلحیمددن کاغیذلارا،
یاش تۆكموشم، داما - داما.
بو دور نیرون، بو دور فرعون!
آتشیندە جزلانمیشام.^(۲)

و باز این «سهند» است که مدعايان حقوق بشر را رسوا می سازد:

قارقیش زمانه نین قانونلارینا!
قارقیش اوره کلری آیر انلارا!

۱. به نقل از آذربایجان ادبیات تاریخینه بیرباخیش، ص ۴۰۳.

۲. شعریمیز زمانلا آددیمالایر، ص ۲۹.

مکتب اوشاقلاری یادیمادوشدو.^(۱)
بطور کلی ادبیات ما در دوران ستمشاھی، ادبیاتی سیاسی و همانگونه که اشاره شد «ادبیات مقاومت» بود. پس از کودتای امریکایی ۲۸ مرداد فشار و خفغان شدت بیشتری می یابد و به موازات آن شوونیزم فرهنگی هرچه بیشتر پنجه خود را بر گلوی فرهنگ و ادبیات ترکی ایران می فشارد و هیچ اثر ترکی اجازه طبع نمی یابد.

اما ادبی بزرگی چون حبیب ساهر، سهند، محزون، اعتماد، شهریار، ترلان، باعچه بان، ... جو موجود را به مبارزه می طلبند و قلمهای خود را به سوی استعمار، استبداد و شوونیزم نشانه می روند. بعضًا آشکارا و بعضًا با تمسک به سمبولهایی چون «سهند»، «ساوالان (سبلان)»، «ارک»، «آراز (ارس)»، «ساز عاشیق‌ها» دردهای خود را بازگو می کنند و سمبولیسم یکی دیگر از خصوصیات ادبیات این دوره ماست.

سهند در شعر تلح و عمیق «یاساق» اینگونه دوران خود را توصیف می کند^(۲):

طالعیمه سن باخ

دوشونجه لریم یاساق،

دیغولاریم یاساق،

کچچیمیشمدن سؤز آچماغیم یاساق،

گله جیگیمدن دانیشماغیم یاساق،

آتا - بابامین آدین چکمه گیم یاساق،

۱. همان ص ۲۳.

۲. این شعر که با قالبی نوین سروده شده علاوه بر مضمون عمیق، سندی است که ادعای ما را در مورد اینکه ادبیات معاصر آذربایجان علیرغم تضییقات همگام با ادبیات مدرن دنیا بالیده است، تایید می کند.

اوزوب، کئچمه‌لی یم ظلمت دریاسین!^(۱)

این همان شاعری است که الهام بخش شهریار در اثر بزرگ خود، «سهندیه» بوده است. قطعه‌ای که باید آن را اوج آفرینش ادبی شهریار به حساب آورد.

«سهند» خطاب به «شهریار» در نقش پیک آزادی، آینده‌ای آزاد را مژده می‌دهد:

شاعریم! سؤزومو غریته سالما!
فولاق آس، دونیاد اگور بیر نه سس دیر.
باغربوی سیخمسین آتیلان توپلار،
قیریلان زنجیردیر، سینان قفس دیر!

و البته دیری نباید که بشارت وی به حقیقت پیوست و قیام پر افتخار مردم ایران برای همیشه نقطه پایانی گذاشت به ستم ۲۵۰۰ ساله شاهان فاسد و نسیم آزادی وزیدن گرفت.

با طلوع فجر آزادی، و شکستن زندان شوونیزم، گلستان ادب آذربایجان نیز طراوت خود را باز یافت و آثار فراوانی طبع و منتشر شدند. مجموعه اشعار مرحوم ساهر تحت عنوان «سحر ایشیقلانیر» در سال ۵۸ چاپ و فصلی نوین را در ادبیات آذربایجان گشود.

سحر ایشیقلانیر آج پرده‌نی گؤزل بیر آن
قارانیغا آلیشان گوزلریم ایشیقلانیں.
بیر آز اوزاقلا را گؤزیتک کی داغلار آردیند ان،
آزادلیغین شفقیندہ قیزیل گونش یانسین.

۱. شعریمیز زمانلا آددیملا بیر، ص ۴۶.

فارقیش انسانلاری قفسه سالیب،
بشر حقوقند ان دم وورانلار!!^(۱)

و به زبانی ساده حقوق ملت خود را طلب می‌کند:
... آنجاق بیر سؤزوم وار، من ده انسانام
دیلیم وار، خلقیم وار، یوردو - یووام وار
بئردن چیخمامیشام گویه لک کیمی
آدام، حقیم وار، ائلیم - او بام وار.

قول یار انمامیشام یاراناندا من
هیچ کسه اولمارام نه قول، نه اسیر
قورتلوش عصری دیر انسانا بو عصر
اسیر اولا نلاردا ییخوون کسیر.^(۲)

و نهایتاً اینگونه مردم را به مبارزه دعوت می‌کند:
هر دردین دواسین آختارماق گرک.

نه چیخار ییخیلیب، زاریلد اماقد ان؟
تلاشیز قوللارین قوتی اولمار،
یول گئیممه چاتماز مقصدہ انسان.

سحری آختاران گئجه‌دن قور خماز
آلیرام الیمه تلاش عصاسین
اگر گؤیدن بیڑه قطر ان یاغсадا،

۱. شعریمیز زمانلا آددیملا بیر، ص ۴۰.

۲. آذربایجان ادبیات تاریخینه بیر باخیش، ص ۴۰۳.

ساحیلی ساخلاین عاغیلی لارا
من گنندیم دنیزدن دنیزه باقام...

ادبیات منتشر نوین آذربایجانی که با میرزا فتحعلی آخوندزاده آغاز گردید و با آثار جلیل محمد قلیزاده و سایر نویسندهای بالید متناسفانه در آذربایجان ما رشد چندانی نیافته است. از نشنویسان معاصر ترک زبانان ایران باید از مرحوم «گنجعلی صباحی» نام برد.

البته با تمام کاستی‌ها و مشکلات که عمدتاً ناشی از عدم تدریس ادبیات ترکی در مدارس می‌باشد، ادبیات منتشر ما با گامهای آهسته همپای شعر معاصر می‌باشد و ثمر می‌دهد.

ادبیات معاصر آذربایجان مکتبی است که ادبیان بسیار پرورده و شاعران و ناثران بسیاری در این مکتب به قلمفرسایی مشغولند. در فصول آینده به بررسی زندگی و آثار یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های ادبیات معاصر یعنی دکتر صدیق خواهیم پرداخت. آثار او چه در زمینه شعر و چه در نثر جزو آثار ممتاز ادبیات نوین آذربایجان بشمار می‌روند.

امید است شاهد بالندگی هرچه بیشتر این شاخه از ادبیات کشورمان باشیم.

زبان سلیس و ادبی، تعبیرات بدیع و مضمون عمیق و اجتماعی و خلقی، و خلق تصاویر زنده و زیبا از مشخصات بارز شعر مرحوم ساهر می‌باشد: باخ فجر ظلمتین بوزاران پرده سین آچیر
مشرقه آتشین قیزاران گون بوغولماسین
بیر آیه دیرکی قیرمیزی خطله یازیر سحر
کیمسه فارانلیغا دئونین سجده قیلماسین

متناسفانه بیش از ۵۰ سال شوونیزم پهلوی و ممنوعیت نوشتار و تدریس به زبان ترکی، توده مردم آذربایجان را از این گنجینه‌ها محروم ساخته و ادبیات رایج در بین مردم حالت شفاهی یافته است.

بطوریکه می‌بینیم منظمه حیدربابای شهریار که به زبانی ساده و با قالبی فولکلوریک سروده شده در بین تمامی خانواده‌های ترک رواج می‌یابد و اغراق نیست اگر بگوییم هر آذربایجانی لااقل یک بند از حیدربابای شهریار را از بر می‌باشد که نشان دهنده عشق این مردم به زبان مادریشان و از سوی دیگر بیانگر اوج ستم ملی است که شوونیستهای پهلوی و تئوریستهای آنان در حق این مردم روا داشته‌اند.

هم اکنون گرایش به قالبهای نو و مضمونهای نوین به ویژه در میان شعرای جوان آذربایجان مشهود است.

«والی گوزه‌تن» از پیشتر از شعر پست مدرن در ادبیات آذربایجان است که مجموعه اشعار وی تحت عنوان «هه» چاپ گردیده است. اشعار «سحر اردبیلی» در عین اینکه در قالبهای کلاسیک سروده شده مضماین و زبان عصر نوین را دارد:

ای ستوگی یایند ان یاییلان او خلار
آیینلیق سئویرم قویمایین یانا
دار پالاردی اگنیم، جانیمی سیعیخیر
ایستیرم اگنیمی چیخاردام آلام

مترجمی زبردست در مقابل رژیم شاه به مدافعته از ایل و تبار خود پرداخته و معروض آزارها و تهمت‌ها گردید لکن هیچگاه به خاموشی نگرایید و شمشیر قلم را بر زمین نگذاشت. با تمام توان کوشید؛ بیش از یکصد جلد کتاب و صدها مقاله نگاشت و کتابهای زیادی را نیز از زبان مادری به فارسی ترجمه کرد.

اگر دری بروی بسته شد دری جدید گشود؛ اگر از نگارش کتاب محروم گردید، به مطبوعات روی آورد و اگر از رادیو - تلویزیون دستش کوتاه شد، به ترجمه گرایید. به هر حال و در هر صورت او دائمًا در حرکت و جوشش است. صدیق در نوشتارهایش نه خویشتن، که مرهمی برای درد ایل می‌جوئد. او آثارش را با اسمای و امضاهای مختلف می‌نگارد. همچون: ح. صدیق، حسین دوزگون، حسین سرخابلی، حسین محمود اوغلو، حسین دده‌لی، ح. حق، صدر شمایلی سرخابلو، میرزا حسن قره‌گونه‌چی، میرزا قالخان، حسین محمدزاده، حسین فاضل، حسین ترک تبار تبریزی، حسن محمد اوغلو سرخابلی، حسین قشقایی و...

نگاهی به تاریخ

همانگونه که گفتیم ادبیات اسلامی - ترک بیش از هزار سال است که در ایرانمان ریشه دواینده و میوه‌های شیرین خود را به عالم بشریت بخش کرده است. سیستم حکومتی رژیم شاه و اوامر اربابان وی چنین ایجاب می‌کرد که زبانهای غیر فارسی نابود و پروریال اسلام شکسته شود. زبان ترکی یکی از شاخه‌های قدرتمند ادبیات غنی اسلامی است. دنیای اسلام به دست پرتوان ترکان گسترش یافته و اینان همواره پرچمدار اسلام بوده‌اند. دشمنان اسلام نیز با اجتناب از جنگهای مذهبی، به مقابله با پرچمدار آن یعنی ترکان روی آورده‌ند. از اوایل قرن بیستم این جنگ رنگ سیاسی گرفت و به عنوان اساسی ترین هدف به رژیم پهلوی دیکته شد. استعمار انگلیس در راستای این سیاست پهلوی پدر و پسر را بر ملت مظلوم ایران حاکم کرد و این دو با

فصل ۱۳

زندگی دکتر صدیق^(۱)

اشاره

ادبای آذربایجان نیز همچون سرزمین و زبان مادریمان همواره مظلوم بوده‌اند. نگاهی گذرا به تاریخ معاصرمان خود گواه تهمت‌ها، افتراها و بسی مهری‌های متعددی است که نصیب زبان و سرزمین ما گردیده است، و این همه در قبال خدمات درخشانی می‌باشد که سالهای سال به فرهنگ و تمدن بشری ارزانی داشته است.

صد البته که علم و ادبیانی که درد وطن داشته و اندیشه‌ی زبان مادری را در سر می‌پرورانده‌اند نیز طالعی جز این نداشته‌اند.

تحقیق و تدقیق و بررسی آثار و نویسنده‌گان و شعرای ترکی‌گویی، از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که مسافران این راه طافت فرساکم نبودند. مرحوم سهند، گنجعلی صباحی، حبیب ساهر، دکتر زهتابی، صمد بهرنگی، استاد شهریار و دیگران سالهای غبار این راهها را بر تن نشانده و در شناساندن ایل و تبار خود خستگی نشناخته‌اند، اما در این میان سهم «دکتر حسین محمدزاده صدیق» بیش از دیگران بوده است.

صدیق در سیمای شاعری متعهد، و صاحب قلمی خستگی ناپذیر و

۱. در تدوین این فصل و نیز فصل بعدی از کتاب «ائیلیمیزین آجیان یاراسی» تالیف مهندس کریمی استفاده شده است. در حقیقت این دو فصل ترجمه و تلخیصی است از کتاب فوق الذکر به اضافه برخی تعلیقات که به متن افزوده شده است.

۶- سفرهای ترکیه و باکو
۷- از ۱۳۶۲ تا امروز

دوران کودکی

حسین محمدزاده صدیق در سال ۱۳۲۴ در محله سرخاب در خانواده‌ای اهل علم و تقوی دیده به جهان‌گشود. پدرش محمود، حسین کوچک را به مکتبخانه فرستاد. به هنگام نوجوانی در نزد مرحوم وقاریعی مشکوکه تبریزی، آقامیرزا غلام‌حسین هریسی و آقامیرزا عمران به فراگیری قرآن، فلسفه اسلام، فقه و احکام پرداخت و در نوجوانی به تعلیم رایگان بچه‌های محله در مسجد «آقامیرعلی» روی آورد. در این سالها سوره‌های زیادی از قرآن را از برکرده بود.

پس از پایان تحصیلات متوسطه در تبریز در سال ۱۳۴۲ از دانشسرای همین شهر فارغ‌التحصیل گردید و در کسوت معلم به آموزش فرزندان این مرز و بوم پرداخت.

صدیق، زاده و پرورش یافته فضا و محیطی بود که در سال ۱۳۲۴ و سالهای خفغان پس از آن بر آذربایجان حاکم گشته بود. همین جبر و خفغان بود که وی را به سمت مدافعه زبان مادری سوق داد. به شعر و ادب دل باخت و با ادبیات کلاسیک و مدرن آذربایجان آشنا شد. فولکلور عمیق و پر مضمون آذربایجان نیز از سالها پیش و از دوران طفویلیت روح وی را تسبیح کرده بود و اکنون نیز تأثیرات آن همواره در تمام آثارش خود را نمایان می‌سازد. سالهای تحصیل دانشسرا در تعیین مسیر آینده زندگی اش نقطه عطفی بشمار می‌آید و او از همین سالها دفاع از زبان مادری را همچون تکلیفی پذیرا می‌شود.

از معلمی تا زندان (۱۳۴۲ - ۱۳۴۷)

دنیای معلمی صدیق را به آموختن و آموزاندن فرا می‌خواند. او به عنوان معلمی صاحب اندیشه با زبان و فولکلور آذربایجان انسی ناگستاخی دارد و

تمام توان به نابودی آثار و ارزش‌های اسلامی پرداختند. در این میان زبان ترکی نیز ممنوع گردید. کتب ترکی از کتابخانه‌ها به بیرون کشیده شد و پدیده منفور کتاب سوزی یک بار دیگر در تاریخ و در این سرزمین تکرار گردید. هزاران جلد کتاب تنها و تنها به جرم ترکی بودن در آتش کین و تعصب سوختند و خاکستر شدند (خاکستری که سالها بعد شراره‌های مدفونش با عصیانی عظیم در مقابل رژیم پهلوی سربرآورده) سخن گفتن به زبان ترکی در مدارس جرم گردید و طفلان آذربایجان هر گاه به زبانی که مادران، لایی هایشان را در گوششان ترنم کرده بودند سخن می‌گفتند، جریمه می‌شدند.

وقایع سال ۱۳۲۴ باعث وحشت بیشتر رژیم شد و تضییقات علیه آذربایجان لباس رسمیت پوشید و باشدت بیشتری اعمال گردید.

هر چند این بحرانهای چندین ساله برای نابودی فرهنگ و زبانی که سابقه و پیشینه‌ای هزاران ساله داشت نمی‌توانست نقش موثری داشته باشد. به همین دلیل نیز در این سالهای تاریک و خفغان، ادبیات آذربایجان به شکوفایی ادامه داد و آتش‌های زیر خاکستر زبانه کشید و در سال ۱۳۵۷ با تمام توان در انقلاب اسلامی مان مشارکت نمود. در سالهای انقلاب، ادبیات و موسیقی ترکی، در صحنه‌های کانونهای اصلی انقلاب یعنی دانشگاهها به ایفای نقش پرداخت و تدریجیاً دورانی جدید و صفحه‌ای نوین را در تاریخ خود رقم زد.

و صدیق در این زمینه، بیش از همه کوشیده و آفریده است. زندگی وی را در چند دوره می‌توان از نظر گذراند و به بررسی آثار و فعالیت‌های علمی - ادبی اش پرداخت:

- ۱- دوران کودکی از ۱۳۲۴ تا ۱۳۴۲
- ۲- معلمی تا زندان ۱۳۴۲-۱۳۴۷
- ۳- سالهای اسارت ۱۳۴۷-۱۳۵۱
- ۴- فعالیت پر تلاش ادبی ۱۳۵۱-۱۳۵۷
- ۵- سالهای انقلاب - مجلات ترکی

سلسله مقالات «محمدباقر خلخالی» در مجله ارمغان تهران و مقالات «دده قورقود» در مجله وحید مخصوص فعالیتهای صدیق در همین سالهاست. در سال ۱۳۴۷ هفته نامه ترکی فارسی «هنر و اجتماع» را در تبریز منتشر ساخت. علیرغم تمام کوششها صدیق این نشریه پس از ۷ شماره، معروض هجوم سواک گردیده توقيف شد. صدیق به ۶ ماه حبس محکوم گردید و در همین زمان صمد بهرنگی نیز «بالارس به دریاها پیوست».^(۱) این حادث یک بار دیگر توجه نویسنده‌گان و شاعرا را معطوف تبریز ساخت.

در آینده‌ای نزدیک (۱۳۴۹) تبریز یکی از کانونهای مبارزات مسلحه خواهد بود.

علیرغم نمرات بالای صدیق در دروس، مسئولین دانشگاه به علت فعالیتهای سیاسی وی از اعطای مدارک تحصیلی اش امتناع کردند و او بعداً در سال ۱۳۵۰ موفق به دریافت این مدارک گردید. این سال با تبعید تعدادی از روشنفکران آذربایجان و از جمله صدیق، به تهران مقارن بود.

سالهای اسارت (۱۳۴۷ - ۱۳۵۱)

از سالهای اسارت وی معلومات دقیقی در دست نیست. گویا خود وی خاطرات این دوران را به قلم آورده که انشاء الله به زودی نشر خواهد گردید و بسیاری از زوایای تاریک و مبهم را روشن خواهد ساخت.

او به ۶ ماه حبس سیاسی محکوم شد و در سال ۱۳۵۰ پس از آزادی از زندان به اجبار در تهران ساکن گردید.

در ایام اسارت، او به زندانیان سیاسی «زبان ترکی» تدریس می‌کرد. صدیق همچنین در زندان سه دفتر شعر سروდ که متاسفانه مفقود گردیده‌اند.

از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷

۱. تعبیر مرحوم آل احمد

از همین سالها به گردآوری فولکلور آذربایجان می‌پردازد. با الفبای کربل آشنا می‌شود و به مطالعه آثار بزرگانی چون آخوندزاده، جعفر جبارلی، نریمان نریمانوف، جلیل محمد قلیزاده، عبدالرحیم حق وئردیف و میرزا علی‌اکبر صابر روی می‌آورد.

در د ایل و تبار آتشی بر خرم من دل این معلم جوان می‌زند که شعله‌هایش هیچگاه خاموش نمی‌گردد. اوّلین مقاله وی با عنوان «فرشته میترا و عید مهرگان» در سال ۱۳۴۵ در مجله علمی اداره تعلیم و تربیت تبریز چاپ می‌شود. در سال ۱۳۴۴ با ورود به دانشگاه تبریز در رشته «زبان و ادبیات فارسی» فعالیت‌های ادبی اش رخ از نقاب بیرون می‌کشد و خط سیر مشخص خود را پیدا می‌کند.

تبریز انقلابی در این سالها محل مبارزاتی است که به حرکات انقلابی خود سویه ادبی داده و به کانون نویسنده‌گان روشنفکر ایران بدل گشته بودند. این ایام همان‌گونه که در تاریخ سیاسی ایران نقطه عطفی به شمار می‌آید در تاریخ ادبیات آذربایجان نیز همین قدر مهم و تاثیرگذار است. «دوسنلار گئروشو» نشریه «آدینه» را اداره می‌کند و صدیق بسیاری از مقالات و مطالب این نشریه را آماده می‌سازد.

این جمعیت کوچک، نه تنها در تبریز بلکه در سراسر ایران حرکت نوینی خلق می‌کند، اینان مقالاتی در زمینه زبان و ادبیات آذربایجانی در نشریاتی چون «خوشه»، «امید ایران»، «وحید»، «ارمغان» و «راهنمای کتاب» و... به چاپ می‌رسانند و در تبریز چندین کتاب و از جمله «حیدری‌بابایه سلام» چاپ و نشر می‌شود و توجه توده‌ها را به خود جلب می‌کند.

صدیق در این سالها به همراه دوست خود صمد بیشترین مقالات را در زمینه زبان و ادبیات آذربایجانی به مجلات فوق الذکر می‌فرستد. و اداره صفحه «شعر و ادبیات آذربایجان» در نشریه «امید ایران» را به عهده می‌گیرد. صفحه‌ای که نشر آن فراتر از حد تحمل رژیم پهلوی بود و طالعی بهتر از سایر نشریات متعهد نداشت و بزوادی جلوی انتشار آن گرفته می‌شود.

- حسن اف، مسائل ادبیات نوین ایران، تهران، دنیا، ۱۳۵۵.
- زمرد شفیع او، مسائل ادبیات دیرین ایران، تهران، نوپا، ۱۳۵۵.
- حبیب ساهر، آرزو و قمیر، تهران، مازیار، ۱۳۵۴.
- آثاری از شعرای آذربایجان، تهران، بابک، ۱۳۵۴.
- گفتاری پیرامون زبانهای رایج ایران در آذربایجان، تهران، بابک، ۱۳۵۶.
- فوما متسوپسکی، تیمورلنگ در ارمنستان، تبریز، ساوالان، ۱۳۵۶.
- فریدون آشورف، نسیمی، تهران، ۱۳۵۵.
- محمود مالکف، تازی گویان آذری، تهران، نوپا، ۱۳۵۶.
- م. مبارز، زندگی و اندیشه نظامی، تهران، توس، ۱۳۶۰.
- دنیای قصه بچه‌ها، تهران، رز، ۱۳۵۶.
- نهضت حروفیه (به همراه م. کریمی)، تبریز، تلاش، ۱۳۵۷.
- دولوهای ترک، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، ۱۳۵۵.
- چیل مایدان، تهران، رز، ۱۳۵۶.
- انقلاب بورژوازی در انگلستان، تهران، ققنوس، ۱۳۵۶.
- مقدمه‌ای بر فلسفه‌ی تکاملی طبیعت و جامعه، تهران، ققنوس، ۱۳۵۶.
- انقلاب کبیر فرانسه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۵.

آثاری که صدیق تحقیق، تصحیح و ویرایش کرده و یا برآنان مقدمه نگاشته است:

- نمایشنامه‌های میرزا آقا تبریزی، تهران، طهوری، ۱۳۵۵.
- مقالات فارسی آخوندزاده، تهران، نگاه، ۱۳۵۵.
- مقالات فلسفی آخوندزاده، تبریز، ساوالان، ۱۳۵۶.
- مولانا محمد فضولی، رند و زاهد، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۵۵.

صدیق در این دوران نقش نویسنده‌ای متعهد و کوشما را بعده می‌گیرد. نخستین کتابش «واقف شاعر زیبایی و حقیقت» بود. این کتاب که در سال ۱۳۵۱ (۱۹۷۲) در تهران توسط انتشارات «پویا» منتشر گردید به بررسی مختصر تاریخ ادبیات آذربایجان و سیمای درخشان آن «ملتاپناه واقف» می‌پردازد. کتابهای بعدی وی «قصه رویاه در ادبیات شفاهی آذربایجان» و «داستانهای کچل در ادبیات شفاهی آذربایجان» و... مبلغین فرهنگ و ادبیات آذربایجان بودند.

در این سالها صدیق در مقطع فوق لیسانس دانشگاه تهران پذیرفته می‌شود و ضمن تحصیل به همکاری با «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» از طریق ترجمه می‌پردازد.

از طرف انتشارات امیرکبیر به عنوان مولف و ویراستار به همکاری دعوت می‌شود و همراه «غلامحسین ساعدی» و «علی کاتبی» در این مؤسسه کار می‌کند. در سالهای همکاری با این مؤسسه برخی آثار نویسنده‌گان آذربایجان شمالی را به فارسی ترجمه و منتشر می‌کند.

در حقیقت این دوران برای دکتر صدیق از پربارترین سالهای حیات علمی‌اش محسوب می‌گردد. برخی از آثار وی در این سالها عبارتند از

آثار ترجمه:

- برتلس، نظامی شاعر بزرگ آذربایجان، تهران، انتشارات پیوند، ۱۳۵۶.
- م. سلطانف، افضل الدین خاقانی شیروانی، تهران، آذر کتاب، ۱۳۵۵.
- ع. ن. قولیف، از پیدایی انسان تا رسایی فئودالیسم در آذربایجان، تهران، گوتبرگ، ۱۳۵۵.
- عبدالله ف، مسائل زبانشناسی ایران، تهران، بامداد، ۱۳۵۵.

- ازانزلی تا تهران، تهران، بابک، ۱۳۵۶.
- مقالات تربیت، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۵۵.

از آثار تحقیقی و تالیفات وی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- واقف شاعر زیبایی و حقیقت، تهران، پویا، چاپ سوم، ۱۳۵۴.
- قصه‌های رویاه، تهران، دنیای دانش، ۱۳۵۴.
- قصه‌های کچل، تهران، نبی، ۱۳۵۵.
- دیدی از نوآوریهای حبیب ساهر، تبریز، ساوالان، ۱۳۵۵.
- عاشیقلار، تهران، آذرکتاب، ۱۳۵۶.
- هفت مقاله، تهران، دنیای دانش، ۱۳۵۶.
- سایالار، تبریز، ایشیق، ۱۳۵۷.

در همه آثار این برده نوعی نگاه علمی - انتقادی به چشم می‌خورد که از روح انقلابی نویسنده جوشیده و بر قلم جاری شده است.

ترجمه‌های ادبی وی حاوی افکار و اندیشه‌های نو و ارزشمند در مورد بزرگانی چون نظامی، خاقانی، قوسی و... می‌باشد؛ آنهم در دوره‌ای که زبان، تاریخ و ادبیات آذربایجان در معرض شدیدترین تحریف‌ها، تهمت‌ها و افتراءها بوده و صاحبان دیدگاههای شوونیستی با تمام نیرو سعی در نابودی و به انفعال کشانیدن آن داشتند.

در شرایطی که شعرای بزرگی چون نظامی، خاقانی، صائب و دیگران با دلایلی واهی و پوچ از آذربایجان جدا می‌شدند و به عنوان کسانی که با زبان ترکی یا زبان مادری خود مخالف بودند شناسانده می‌شدند، جامعه ما محتاج نویسنده‌گانی آگاه و اهل درد بود تا در برابر این اجحافات ضد علمی، سینه سپر کنند و صدیق یکی از اینان بود. شاید موثرترین این ترجمه‌ها اثر شرق‌شناس بزرگ روس برتلس باشد که انتشار آن آب پاکی برداشت شوونیست‌ها ریخت و بسیاری از حقایق را روشن ساخت. برتلس در این

کتاب با استناد به آثار نظامی، دلایل ترکی بودن زبان مادری وی را بر می‌شمرد. او همچنین به تشریح دلایل فارسی‌گویی شعرای ترک تبار دوران سلجوکی می‌پردازد.

حقیقتاً معلومات و اطلاعات ما در مورد ادبیات کلاسیک آذربایجان و چهره‌های درخشان آن مديون این نخستین ترجمه‌ها و تالیفات صدیق می‌باشد.

بهمین ترتیب او در زمینه شناساندن ادبیات معاصر آذربایجان نیز آثاری ارزشمند دارد. در کتاب «نمونه‌هایی از شعر معاصر آذربایجان» قلم سیّال و قدرتمند مترجم به ارائه نمونه‌هایی از حبیب ساهر، مدینه گلگون، مروارید دلبازی، بهروز چای اوغلو و دیگر بزرگان این عرصه می‌پردازد. در کتاب «دیدی از نوآوریهای حبیب ساهر» صدیق را در سیمای مستقدی قدرتمند می‌یابیم که می‌کوشد جایگاه حبیب ساهر را در ادبیات معاصر ایران باز شناساند. (ساهر یکی از بنیانگذاران شعر معاصر و پل شعر مشروطه و شعر نیمایی، به علت روحیات مبارزه جویانه خویش و به علت تلاش‌های خستگی ناپذیرش در دفاع از زبان و ادبیات آذربایجان در دوران خفقات پهلوی به عنوان بارزترین سیمای ادبیات مقاومت آذربایجان شناخته می‌شود و از همین روزت که هیچگاه اجازه داده نشد تا نقش بر جسته وی در روند تکاملی شعر مدرن ایران آشکار گردد).

خطاطنشان می‌گردد که علاقه عمیق معنوی و روابط مرید و مرادی، صدیق و ساهر را به هم پیوند می‌داد. تأثیرات این دوستی و علاقه را هنوز نیز می‌توان در سیمای ادبی دکتر صدیق باز شناخت و او همواره از حبیب ساهر با احترام و علاقه خاصی یاد می‌کند. در حالیکه بسیاری از مدیعیان و دوستان، ساهر را در اواخر عمر در انزواه طاقت فرسایش تنها گذاشته بودند، صدیق جزو معدود کسانی بود که تا قبل از مرگ در دنای ساهر در آذر ماه ۱۳۶۴ هرگز ارتباط خود را با وی قطع نکرد.

این مسافرت) و سفرنامه‌ای به نام «گونشلی وطن یادداشت‌لاری» می‌باشد. کتاب «باکی لوحه‌لری» ۲۳ عنوان شعر را در برمی‌گیرد و در حقیقت سوغاتی است که دکتر صدیق از مسافرت باکو برای فرزندش «یاشار» آورده است. وی در نخستین شعر این مجموعه، تحت عنوان «آتایام، آتا» خود را این مطلب صحه می‌گذارد. اما اثر دوم وی «گونشلی وطن یادداشت‌لاری» ضمن دربرگرفتن خاطرات و یادداشت‌های این سفر، تحلیلی است از وضع زندگی مادی و معنوی مردم آذربایجان.

سفر صدیق به ترکیه با فاصله چند ماه از سفر آذربایجان صورت گرفته است. وی در دانشگاه استانبول از تز دکترای خود در رشته «فیلولوژی ترکی باستان» دفاع می‌کند و از سوی دانشگاه ارسطو نیز برای تحقیق در زمینه ادبیات ترکی شاخه آذربایجان دعوت به همکاری می‌شود. نهایتاً در سال ۱۳۶۲ (۱۹۸۳) به اخذ درجه دکترا در رشته ادبیات نائل می‌گردد.

از ۱۳۶۲ تا امروز

دکتر صدیق از این زمان تحقیقات آکادمیک جدیدی را آغاز می‌کند که محصول آن تألیف چندین جلد کتاب علمی است. از یک سو به تحقیق در مکتب مولویه می‌پردازد و اشعار ترکی مولوی را برای نشر آماده می‌سازد و از سوی دیگر «یوسف و زلیخا»ی فردوسی را مطرح می‌کند و نخستین «یوسف و زلیخا»ی ترکی، اثر «خواجه علی خوارزمی» را منتشر می‌سازد. برای تدریس در دانشگاهها «شرح غزلیات صائب تبریزی» را تحریر و از هویت آذربایجانی شاعر دفاع می‌کند. مجموعه آثار ترکی و فارسی «ابوالقاسم نباتی» را در دو جلد منتشر می‌کند.

«بابرک قوشچو اوغلو» را به جهان علم و ادب می‌شناساند و مجموعه «الهی»‌های وی را به چاپ می‌سپارد. «متون برگزیده نظم و نثر ترکی» را در دو جلد و به امید تدریس در دانشگاهها منتشر می‌کند.

سالهای انقلاب

با پیروزی انقلاب اسلامی، ادبیات آذربایجان نیز شکوفه می‌کند. دهها نشریه، مجله و کتاب، چاپ و منتشر می‌گردد و فصلنامه نوین در تاریخ ادبیات نوین آذربایجان گشوده می‌شود. در این میان باز صدیق خستگی ناپذیر را می‌بینیم که با نشریات «آزادلیق» و «بولداش» پا در عرصه مطبوعات ترک زبان می‌گذارد.

بولداش که بصورت هفتگی منتشر می‌گردید با اقبال اشار مختلف مردم آذربایجان مواجه می‌شود و به مدت ۲۱ هفته، سیمای رنگارنگ ادبیات آذربایجان را در قالب مقالات، متون ادبی، و شعر به مخاطبان خود می‌شناساند.

با تعطیلی «بولداش»، «انقلاب بولوندا» جای آن را می‌گیرد، اما آن نیز پس از ۱۴ شماره به بهانه‌های مختلف تعطیل می‌شود. اما صدیق کسی نیست که نامید شود و این بار «یئنی بول» را بنیان می‌نهد. طالع «یئنی بول» نیز بهتر از اسلاف خود نیست و تنها پس از ۴ شماره، انتشار آن متوقف می‌گردد.

صدیق در سالهای انقلاب علاوه بر فعالیت مطبوعاتی، به فعالیتهای تحقیقی و تألیف و انتشار کتاب نیز می‌پردازد. آثار زیر محصول این ایام است:

۱- کیچیک شعرلر، تهران، شبتاب، ۱۳۵۷.

۲- مجموعه (به همراه ۵ شاعر دیگر)، تهران، شبتاب، ۱۳۵۷.

۳- صمد بهرنگی (منظومه)، تهران، شبتاب، ۱۳۵۷.

۴- اوچغون داخما، تهران، آذربایجان مدنیت جمعیتی، ۱۳۵۸.

سفرهای باکو و ترکیه

دکتر صدیق در سال ۱۳۶۰ به دعوت کنگره نویسنده‌گان آذربایجان مسافرتی به باکو داشت. در مدت اقامت در باکو، وی ضمن شرکت در هفتمین کنگره نویسنده‌گان با ادب و نویسنده‌گان بزرگ آذربایجان دیدار کرد. دستمایه این سفر مجموعه اشعاری تحت عنوان «باکی لوحه‌لری» (ملهم از

فصل ۱۴

بررسی آثار دکتر صدیق^(۱)

نمونه هایی از شعرهای معاصر آذربایجان

مقدمه و ترجمه ح. صدیق، انتشارات بابک، تهران، ۱۳۵۱.

این کتاب که در ۱۵۰ صفحه در سال ۵۱ در تهران منتشر شد، توجه محافل ادبی - علمی را به سوی خود جلب نمود. و مجله «ادبیات و اینجه صنعت» با کویکی از مقالات خود را به این کتاب اختصاص داد. در ایران سالهای سال دکتر صدیق را با این اثر می شناختند.

اثر با نام حبیب ساهرگشوده می شود و سپس ترجمه آثاری منتخب از بزرگترین شاعران ادبیات حسرت یعنی مدینه گلگون، رسول رضا، مروارید دلبازی، نگار رفیعیگلی، بختیار وهابزاده، علی آقا کورچایی، زینال خلیل، نریمان حسن زاده، بهروز چای اوغلو، فکرت صادق ارائه می گردد. اکنون نیز که بیش از ۳ دهه از نخستین نشر این کتاب می گذرد، زبان فارسی مجموعه‌ای چنین زیبا و موثر از ادبیات آذربایجان را شاهد نبوده است.

زبان ساحرانه اثر، نمایانگر خلاقیت مترجم است. شعرای معرفی شده در اثر در پاسخ به نیازهای زمان با قدرت نوآوری خود، عصیان، درد، غم، شادی و حسرت را با مضمونی نوین فریاد می زندند و قالبی نو می آفرینند.

۱. این فصل و فصل پیشین ترجمه و تلخیصی است از کتاب «ائمه‌ی زین آجیان پارسی» تالیف مهندس کریمی. ضمن اینکه آثار جدید دکتر صدیق نیز به مجموعه‌ای که آفای کریمی گردآورده بود، افزوده شده است.

دکتر صدیق نه فقط در زمینه تالیف و تحقیق که در زمینه ترجمه نیز به فعالیت می پردازد. اما این بار ترجمه‌های وی نه همچون پیش از انقلاب از ترکی به فارسی بلکه بر عکس از فارسی به ترکی است. اینک مردمان پشت دیوارهای آهینه با شور و شوق چشم به این سو دوخته‌اند. و تشنه کامانه به دنبال کتابهای دینی و مذهبی اند. صدیق نیز با ترجمه آثار مذهبی، هم به احتیاجات معنوی برادران خود پاسخ می‌گوید و هم به دنبال راهی است تا به زبان مادری اش خدمت کند. او به درستی می‌داند که تنها راه تبلیغ اسلام در میان مسلمانان آسیای میانه و قفقاز، مدد جستن از زبان مادری آنان است.

فعالیت دیگر دکتر صدیق، تدریس در دانشگاه‌هاست. او پس از انقلاب اسلامی همواره کوشیده است زبان و ادبیات ترکی به جایگاه بایسته‌ی خود در دانشگاه‌ها دست یابد. در این راه او بدون هیچگونه چشمداشت مادی، در هر زمان و در هر دانشگاهی که شرایط را مناسب دیده خواه بصورت رسمی، خواه در قالب فوق برنامه به تشکیل کلاس‌های زبان و ادبیات ترکی مبادرت ورزیده است. وی در این کلاس‌ها که اکنون سالهای است در حیات علمی اش جایگاهی عمده یافته‌اند، گرامر، تاریخ و ادبیات زبان ترکی را تدریس می‌کند. هیچکس در این زمینه همچون صدیق نکوشیده است، و البته هیچکس نیز همچون او از رنج‌ها و سختیهای این کار سهم نبرده است. عرصه دیگر فعالیتهای دکتر صدیق کنگره‌ها و سمینارهای حضور صدیق تقریباً در هر سمینار و کنگره مرتبط با ادبیات و فرهنگ آذربایجان احساس می‌شود. هرچند که در این راه با مخالفت‌های بسیاری نیز مواجه بوده است (به عنوان نمونه ممانعت از ارائه مقاله وی در کنگره بین‌المللی نظامی گنجوی در تبریز؛ مقاومت در برابر سخنرانی وی در مورد «یوسف و زلیخا»ی فردوسی در کنگره فردوسی، حذف سخنرانی در کنگره «مکتب آذربایجان در ادبیات فارسی» در ارومیه، و...) که البته هیچکدام خللی در اراده‌ی وی ایجاد نکرده، بلکه او را مصمم‌تر و قاطع‌تر نموده است.

می باشد. مولف، نماشنامه پنجم را نیز در کتابخانه مرکزی تهران و از «رساله اخلاقیه» میرزا آقاتبریزی یافته است.

کتاب همچنین مقدمه‌ای ۲۴ صفحه‌ای به قلم مولف و سه ضمیمه را دربرمی‌گیرد. دکتر صدیق در مقدمه به بررسی تاریخ تماشاخانه در ایران، تمثیلات آخوندزاده، نخستین نمایشنامه فارسی و... می‌پردازد. ضمیمه نخستین به مکاتبه میرزا آقا با آخوندزاده و نامه آخوندزاده خطاب به وی و ضمیمه دوم به مقدمه و مؤخره میرزا آقا و مقدمه چاپ برلین می‌پردازد. ضمیمه سوم نیز ۷ سند از دستنوشته‌های میرزا آقا را ارائه می‌دهد. ضمیمه دیگری نیز تحت عنوان «کتابنامه» به کتاب افزوده شده است.

اثر در جامعه آن روز انعکاس گسترده‌ای داشت و مقالات متعددی در مورد آن نوشته شد. برخی از این مقالات را «حمید سالک» در سال ۱۳۵۷ در تبریز تحت عنوان «درباره نمایشنامه‌های میرزا آقاتبریزی» منتشر کرد. کتاب «سالک» را در حقیقت باید نخستین اثر منتشر شده در زمینه فعالیتهاي علمی دکتر صدیق دانست.

دیدی از نوآوریهای حبیب ساهر
تبریز، انتشارات ساوالان، ۱۳۵۷.

ح. صدیق در سالهای پیش از انقلاب اسلامی ضمن ترجمه منظومه «آرزو و قمبر» حبیب ساهر، مقدمه‌ای بر آن نوشته بود. او همچنین مقدمه‌هایی بر دیگر آثار ساهر - «نمونه هایی از ادبیات منظوم ترک» و «کتاب شعر ساهر» - نوشته است. مقدمه‌های فوق الذکر علاوه بر ارائه معلوماتی در مورد ساهر، جایگاه عمدۀ وی را در ادبیات معاصر ایران مشخص می‌ساخت. با توطئه اداره ساواک، مقدمه‌های فوق الذکر بهنگام انتشار از کتاب «آرزو و قمبر» حذف گردید. در نشر جلد دوم «کتاب شعر ساهر» نیز اجازه انتشار مقدمه داده نشد.

تا اینکه با طلوغ انقلاب، انتشارات ساوالان تبریز همین مقدمه را در ۳۲

ادبیات معاصر آذربایجان، ثروتی است که جایگاه خاصی در ادبیات پیش‌تاز دنیا دارد. آثار زیبایی که دکتر صدیق در مجموعه «نمونه هایی از شعرهای معاصر آذربایجان» گردآورده صادق‌ترین گواه این مدعاست.

نسیمی
فریدون آشورف، نسیمی (درام تاریخی در سه پرده و چهارده صحنه)، ترجمه حسین صدیق، انتشارات باغان، ۱۳۵۷ و ۱۳۵۳.
ناشر در مقدمه اثر در مورد نشر آن می‌نویسد:

(این درام حمامی ۴ - ۵ سال پیش ترجمه و چاپ شد، ولی مؤمورین سانسور شاه از جمله... جلوی انتشار آن را گرفتند. اثر را دیگر باره تحت عنوان «عمادالدین نسیمی» و بار دیگر به نام «ابن شیطان» به اداره سانسور بردمیم، اما آنان هر دو بار آن را شناختند و اجازه نشر ندادند. اینک خوشحالیم که در پی مبارزه قهرمانانه ملت ایران ترجمه فارسی یکی از شاه اثرهای ادبیات آذربایجان را تقدیم می‌کنیم)

مترجم، این اثر را بمناسبت شش‌صد مین سالگرد ولادت نسیمی آماده ساخته و در مقدمه علمی ۱۴ صفحه‌ای آن، به بررسی ایدئولوژی حروفیگری و عقاید نسیمی می‌پردازد.

پنج نمایشنامه

میرزا آقاتبریزی، پنج نمایشنامه، بکوشش ح. صدیق، چاپ دوم، تیرماه ۱۳۵۶، تهران، نشر آینده.

کتاب، در حجمی بالغ بر ۲۶۰ صفحه به سرگذشت نخستین نمایشنامه نویس زبان فارسی، میرزا آقاتبریزی و نیز ۵ نمایشنامه وی می‌پردازد. از آثار میرزا آقاتبریزی ۴ نمایشنامه اولین بار در سال ۱۳۴۰ ه. در شهر برلین و به نام میرزاملکم خان چاپ گردید. مرحوم ابوالفضل حسینی برای نخستین بار ثابت کرد که نویسنده این ۴ نمایشنامه، میرزا آقاتبریزی و نه میرزاملکم خان

نظامی شاعر بزرگ آذربایجان
ی. ابرتالس، نظامی شاعر بزرگ آذربایجان، حسین محمدزاده صدیق، تهران، ۱۳۵۷، انتشارات پیوند.

نظامی، شاعر توانمند دوره بیداری آذربایجان است. در مورد این شاعر کتابهای بسیاری نگاشته شده و به همین نسبت نیز تا پایان سده ۱۹ نظریات و مغالطه‌های زیادی در مورد وی مطرح گردیده است.

آغاز قرن ۲۰، همچنین آغاز نگاهی نو به زندگی و آثار نظامی بود. و در این میان اثر «برتالس» شرقشناس بزرگ روس که در سال ۱۹۴۰ نگاشته شد، اثری شایان توجه است. کتاب به بسیاری از زبانها ترجمه گردیده و دکتر صدیق با ترجمه آن به فارسی جای خالی اثر در ادبیات فارسی را پرکرده است.

این اثر، حیات، دیدگاه و محیط حاکم بر آثار و اندیشه‌های شاعر بزرگ آذربایجان را به تصویر می‌کشد. ادبیات فارسی از زمان سلجوقيان ترک تبار در گستره‌ای وسیع از آسیای میانه تا آسیای صغیر رواج یافت چرا که زبان حکومتی این ترکی‌گویان، زبان فارسی بود. زبان فارسی در این دوره به عنوان زبان ارتباطی اقوام مختلف پذیرفته شد و تحت حمایت سلجوقيان پله‌های ترقی را پیمود. نظامی نیز در این محیط و آثار خود را به زبان فارسی خلق نمود. به زبانی دیگر، نظامی روح ترکی را در زبان فارسی جاری ساخت.

این که هر اثر فارسی را تنها، ادبیات مردمان فارسی‌گو بشماریم راه خطا پیموده‌ایم. تاکنون به این نکته توجه نشده است که باید به زادگاه و مردمان آفریننده هر اثر نیز توجه داشت و در این میان سهم مردمان آذربایجان در خلق ادبیات فارسی بیش از دیگران بوده است.

آثار نظامی با شخصیتی عمیق و اندیشه‌ای انسانگرا امروز نیز نوین و وجهه‌ای معاصرگونه دارد. نظامی، نقطه پیوند ادبیات آذربایجانی و زبان فارسی است. دکتر صدیق با ترجمه افسونکار خود، خواننده را به دنبال خویش می‌کشاند و او را ترغیب می‌کند اثر را تا پایان مطالعه کند. تحلیل برتالس از

صفحه و تحت عنوان «دیدی از نوآوریهای حبیب ساہر» منتشر ساخت. مولف در کتاب به بررسی اشعار فارسی ساہر می‌پردازد و چنین نتیجه‌گیری می‌کند که شاعری که با آثار «کؤشن» و «لیریک شعرلر» رفیع ترین قله ادبیات آذربایجان را فتح کرده است، از بنیانگذاران شعر نوین فارسی می‌باشد؛ مکتبی که ساہر بنیان نهاد و توسط نیما، فروغ فرخزاد و دیگران تعقیب شد. شعر فارسی ساہر، پلی است بین شعر کلاسیک مشروطیت و شعر نیمایی.

واقف شاعر زیایی و حقیقت
حسین صدیق، چاپ اول تبریز ۱۳۴۷، دوم تهران ۱۳۵۲، سوم تهران ۱۳۵۴، انتشارات پویا.

این اثر را باید از نوشتته‌های مانا و جاوید دکتر صدیق دانست. خواننده در این کتاب ۸۴ صفحه‌ای نه تنها با واقف، که با ادبیات آذربایجان آشنا می‌شود. مولف، موقعیت زبان و ادبیات آذربایجان، دنیای شعر شاعران، و حیات معنویشان را بررسی و تحلیل می‌کند. صدیق اثر را به مناسبت دویست و پنجاه‌مین سالگرد ولادت شاعر تالیف کرده است.

واقف در ادبیات آذربایجان به عنوان بنیانگذار مکتب رئالیسم شناخته می‌شود. او را پس از فضولی باید درخشنان ترین سیمای ادبیات آذربایجان دانست. او، زبان ترکی را از دیگر زبانها پالود و قالب‌های ملی شعر همچون «قوشما»، «گرابلی» و... را جایگزین قالب‌های کلاسیک غزل، قصیده، مشنی و... نموده نقطه عطفی را در تاریخ ادبیات رقم زد.

صدیق با این اثر ضمن پاسخگویی به نیازهای زمان خود، توجه ادب دوستان آذربایجان را به خود جلب نمود. خاطرنشان می‌شود این کتاب در ترکیه نیز ترجمه و چاپ گردیده است.

حقیقت به ادبیات ایران خدمت ارزنده‌ای کرده است.

جزء عمّ

با خلاصه‌ای از قواعد فرائت قرآن، مترجم حسین سرخابی، انتشارات بعثت، تهران، ۱۳۷۰.

از سلیس‌ترین ترجمه‌های قرآنی به زبان ترکی است. ترجمه را دارالقرآن‌الکریم در تاریخ ۱۳۷۰/۱۱/۲۰ مورد تایید قرار داده است. ترجمه صدیق در میان آثار مشابه از اعتبار خاصی برخوردار است چراکه وی سالها به تدریس «متون تفسیری قرآن» و «ترجمه‌های قرآن» در دانشگاه استغال داشته و همانطوری که قبلًا اشاره شد در ایام جوانی سالها در مسجد آقامیرعلی محله سرخاب تبریز به علاقمندان، قرآن تدریس می‌کرده است.

آذربایجانی شهید عالیم‌لری

حسین سرخابی، انتشارات بعثت، تهران، ۱۳۷۰.

در این اثر که به زبان ترکی نگاشته شده از عالمان شهید آذربایجانی تبار سخن می‌رود - شیخ عبدالغنى بادکوبه‌ای، میرزا علی ثقه الاسلام، حاج میرزا البراهیم خوئی، سید محمد خلخالی، سید اسدالله مدنی، شیخ جلیل تبریزی، سید عبدالرحمن کواکبی، حاج میرزا عبدالکریم، سید عmadالدین نسیمی، آیت الله قاضی طباطبائی و حکیم سید شاه فضل نعیمی - مولف در به تصویر کشیدن ترجمه حال و ماجراه شهادت این عالمان از منابع بسیار از جمله کتاب عربی «شهداء الفضيلة» اثر علامه امینی بهره جسته است.

سایالار، کهترین سرودهای مقدس آذربایجان

ح. صدیق، ۱۳۴۷-۱۳۵۷، تبریز، نشر ایشیق.

این اثر در ۵۸ صفحه در ۱۳۵۷ در تبریز چاپ شد و شامل دو بخش است: در قسمت نخست تحقیقات دکتر صدیق در مورد «سایا»‌ها و در بخش دوم

خسرو و شیرین بسیار زیبا و جذاب است. او در بیان هیجان لحظه‌های دراماتیک این اثر، استادی خاصی را از خود نشان می‌دهد. و تفسیرش از عشق، بسیار گسترده و عمیق است. حقیقتاً ادبیات ما محتاج چنین عالمانی است. اما افسوس که سالهاست تاریخ ادبیات ما عرصه جولان کسانی چون ادوارد براون گشته است.

فضل الدین خاقانی

م. سلطانف، افضل الدین خاقانی، ح. صدیق، تهران، آذرکتاب، ۱۳۵۴. این کتاب یکی از آثاری است که دکتر صدیق از کتاب «آذربایجان ادبیاتی تاریخی» چاپ ۱۹۶۰ باکو انتخاب و ترجمه کرده است. این اثر نیز در زمان خود با استقبال شایان توجهی مواجه شد چراکه برای مشتاقان زبان و ادبیات آذربایجان و آنان که منابعی نورا در این باره می‌جستند - یا بهتر بگوییم منابعی غیر آرامهری - حکم چشم‌های داشت که بر شوره‌زار ضد «تاریخ ادبیات ایران» جاری می‌گشت.

شاعر مغروف‌مان خاقانی، هرچند در ابتدا شاعری درباری بود ولی به زودی از دربارها روی بر می‌گرداند و گمگشته خویش را در میان مردم می‌یابد. او پرده از نقاب سخاوت مندانه ظالمان طمعکار برمی‌گیرد و چهره کریه شان را می‌نمایاند. و در پی آن، سالهای زندان و تبعید شاعر حقوقی فرا می‌رسد. و البته آفرینش ادبی وی نیز از همین زمان ارزش می‌یابد.

شاعر به هویت انسانی اشخاص بیش از همه ارزش قائل است. از صنایع شعری و فنون ادبی با مهارتی تمام سود می‌جوید و ارزش‌های انسانی را تبلیغ می‌کند.

این «ترک عجمی» نیز همانند نظامی بزرگ، همواره از ادبیات سفاهی آذربایجان در آثار خود سود جسته و به غنی ترکردن زبان فارسی کمک شایانی نموده است.

صدیق با ترجمه این اثر هم به ادبیات فارس و هم به ادبیات ترک و در

مقالات چاپ شده در این مجموعه قبلاً در نشریات مختلف تهران و تبریز چاپ گردیده بود. این کتاب در ۲۰۲ صفحه نشر گردید و مقالات «پیرامون حماسه‌های دده‌قورقود»، «سخنان منظوم و ترانه‌های بومی آذربایجان»، «افسانه‌های ملی آذربایجان»، «ادبیات عاشیق‌ها»، «ادبیات عامیانه مردم ترکمن صحرا»، «پیرامون برخی مواد فولکلوریک در دهات اطراف هریس»، «محمد باقر خلخالی و مثنوی ثعلبیه» را دربرمی‌گیرد. این را نیز باید از آثار ماندگار صدیق در تاریخ ادبیات آذربایجان دانست. هفت مقاله در زمان خود بسیار مورد توجه قرار گرفت و معروفیت یافت. بی‌شبیهه، انتشار مجدد آن با توجه به مطالبات زمان کنونی، باز همان استقبال را برای اثر در پی خواهد داشت.

قوسی تبریزی و میرزا شفیع واضح

ح. صدیق، قوسی تبریزی و میرزا شفیع واضح، تهران، ۱۳۵۶، سهند.

این دو مقاله از کتاب «آذربایجان ادبیاتی تاریخی» چاپ ۱۹۶۰ باکو به فارسی ترجمه گردیده است. قوسی تبریزی شاعر فریادها و شکوه هاست. در اشعار وی صمیمیت، سادگی و زیبایی موج می‌زند، صدای فریاد او انعکاس هیجانات و تپش‌های صمیمی قلب شاعر است. این شاعر بزرگ آذربایجانی هم‌عصر صائب تبریزی بنیانگذار سبک آذربایجانی در ادبیات فارسی است.

مقاله دوم به میرزا شفیع واضح، فیلسوف بزرگ و استاد میرزا فتحعلی آخوندزاده می‌پردازد.

آرزوی و قمبر

حیب ساهر، آرزوی و قمبر، ترجمه ح. صدیق، تهران، ۱۳۵۳، مازیار.

حیب ساهر شاعر قدرتمند ادبیات مقاومت با مهارتی خاص و با بهره‌گیری از ادبیات فولکلوریک آذربایجان داستان «آرزوی و قمبر» را به نظم

متن «سایا»‌ها ارائه می‌گردد. این دو قسمت در سال ۱۳۴۷ نیز بصورت مقالاتی در نشریات مختلف آن سال چاپ گردیده بودند. در مقدمه، دکتر صدیق به تحلیل سایاهای و بررسی فولکلور غنی مردم آذربایجان می‌پردازد و می‌نویسد که سایاهای از مراسم بسیار کهن منطقه سربرآورده واز آداب و سنت حتی کهن‌تر از زمان زردهشت الهام گرفته‌اند و به تدریج در میان خلق و درگذر نسل‌ها انکشاف و تکامل یافته‌اند. او سپس به تحلیل شعر فولکلوریک و وزن و آهنگ آن پرداخته سیماهی عاشیق‌ها را به تصویر می‌کشد و «سایاچی»‌ها را می‌شناساند. این کتاب در روزهای انقلاب در ۵۰۰۰ نسخه چاپ و در طی چند ماه نایاب گردید.

مجموعه

تهران، ۱۳۵۷، اشعار ۵ شاعر.

مجموعه شعر ارزشمندی است از چند شاعر پیشناز آذربایجان - چای اوغلو، حسین دوزگون، حبیب ساهر، عمران صلاحی و قافلاتی. به جای مقدمه، شعر معروف «یاندیریلان کتابلار» از صمد وورغون قرار گرفته است. این کتاب در روزهای انقلاب بسیار مورد استقبال قرار گرفت و در حقیقت سندی بود که نشان می‌داد تمام تلاشهای سیستماتیک رژیم پهلوی و روشنفکران وابسته به این سیستم برای نابودی زبان ترکی و آسیمیلاسیون ترک زبانان هیچ نتیجه‌ای نداشته است، بلکه شعر و ادبیات آذربایجان را هدفمند و جهت دار کرده و موجب آفرینش سبکی جدید در ادبیات آذربایجانی تحت عنوان «ادبیات مقاومت» گردیده است.

هفت مقاله پیرامون فولکلور و ادبیات آذربایجان

ح. صدیق، هفت مقاله پیرامون فولکلور و ادبیات مردم آذربایجان، چاپ دوم، ۱۳۵۷، تهران، انتشارات دنیای دانش.

البته برای شناخت بهتر انقلاب باید سخنان و موضع موافقین و نیز مخالفین را بدانیم و در این میان یادداشت‌های این شخص، خود جایگاه مهمی در شناخت چهره‌ها و تاریخ مشروطه دارند.

قصه‌های روباء

ادیبات شفاهی آذربایجان، ج ۱، تهران، ۱۳۵۲.
مجموعه‌ای است که داستانهای مرتبط با روباء در ادبیات فولکلوریک آذربایجان را در خود جمع کرده است.

قصه‌های کچل

ادیبات شفاهی آذربایجان، جلد ۲، تهران، ۱۳۵۲.
داستانهای طنز و فولکلوریک «کچل» را دربرمی‌گیرد.

انقلاب بورژوازی در انگلستان

یفیموف، ترجمه حسین محمدزاده، تهران، ۱۳۵۸، فقنوس.
این کتاب، آغازین فصل اثر «تاریخ دنیا در عصر جدید» می‌باشد که صدیق با توجه به احساس نیاز ایام پر شور انقلاب آن را به فارسی ترجمه کرد.

مسائل زبانشناسی ایران

اقتباس و ترجمه ح. صدیق، انتشارات بامداد، تهران، ۱۳۵۵.
شامل مباحثی فنی از زبان‌شناسی علمی است در ۱۵۰ صفحه.

انقلاب کبیر فرانسه

انتشارات فقنوس، ترجمه ح. صدیق، تهران، ۱۳۵۶.
این کتاب نیز با توجه به مقتضیات و نیازهای زمان ترجمه شده است و ماهیتی تاریخی دارد.

کشیده است؛ صدیق این اثر را از زبان حبیب ساهر به زبان فارسی برگردانده و مقدمه‌ای بدان افزوده که خود اثری ارزشمند بشمار می‌آید. چراکه در آن، ادبیات، فرهنگ و رنج‌های آکنده از حسرت ایل و تبار خود را به تصویر می‌کشد.

مقالات فلسفی میرزا فتحعلی آخوندزاده
ویراسته ح. صدیق، جلد دوم، تبریز، ۱۳۵۷، ساوالان.
مقالات آخوندزاده در دو جلد با همت دکتر صدیق تصحیح و چاپ شده است. کتاب فوق الذکر دومین اثر در این زمینه شمرده می‌شود.
صدیق در این کتاب در مقدمه‌ای ۳۰ صفحه‌ای آخوندزاده را معرفی می‌کند و به تحلیل دیدگاه‌های وی می‌پردازد.

بورغزللری (غزلیات سرزمین)

دکتر ح. م. صدیق، تهران، ۱۳۷۶، نشر کلام.
اثر ۱۰۳ غزل دکتر صدیق را دربرمی‌گیرد. از نظر زمانی، این غزلیات را پس از خاموشی مراد خود حبیب ساهر سروده و در جای - جای آنها یاد وی را گرامی داشته است. صدیق در غزلیات، سبک خاص خود را حفظ کرده و نه به غنا و معازله کلاسیک که به مفهوم و عقیده و مضامین عرفانی نظر دارد.

از انزلی تا تهران

با مقدمه محمدزاده صدیق، ترجمه نروس از متن ارمنی، تهران، ۱۳۵۶،
انتشارات بابک.

پیرم خان چهره شاخص داشناکسیون که به عنوان یکی از قهرمانان مشروطه شناخته می‌شود و در عین حال کسی است که شاید بیشترین نقش را در نابودی قهرمانانی چون ستارخان و نیز ناکامی آرمانهای مشروطه داشته است.

«دانشگاه سوره» به رشتہ تحریر درآورده است. او در این کتاب علاوه بر ترجمه حال موسیقی دانان شرق اسلامی و آذربایجان - ایران همچون ابن زیله، صفوی الدین اورموی، عبدالقدار مراغه‌ای، قطب الدین محمود شیرازی و علی ابن محمد معمد معمار بنایی و تحلیل علمی آثارشنان، متونی را از الادوار، شرح الادوار، جامع الالحان، مقاصد الالحان، کنز التحف، کنز الالحان، زبدة الادوار، زواید الفواید، درة التاج لغرة الدجاج، رساله فی الموسيقی برای دانشجویان رشتہ موسیقی دانشگاهها برگزیده است.

کلام‌لار

بایرک قوشچو اوغلو، کلام‌لار، با تصحیح و مقدمه؛ دکتر حسین محمدزاده صدیق (برای تدریس متون نظم اسلامی - ترکی در دانشگاهها)، تهران، ۱۳۶۹، نشر کلام. قوشچو اوغلو شاعر صوفی مسلک از فرقه اهل حق را که در قرن هجری می‌زیسته نخستین بار دکتر صدیق به عالم علم شناسانده است. او در این کتاب، ۱۱۱ الاهی (شعر عرفانی) قوشچو اوغلو را به همراه یک مقدمه ۲۲ صفحه‌ای که به معرفی جایگاه زبان ترکی و ادبیات عرفانی - اسلامی در این زبان و شناساندن اهل حق و بزرگترین ممثل این فرقه قوشچو اوغلو می‌پردازد، گردآوری کرده است.

ارمنستان در زمان تیمور لنگ

فوما متسوپیکی، ترجمه ح. م. صدیق، انتشارات ساوالان، تبریز، ۱۳۵۶. دکتر صدیق به دفعات گفته و نوشتہ است که در طول تاریخ حکومتی به نام ارمنستان وجود نداشته و نخستین حکومت بدین نام را، در سال ۱۹۲۳ می‌بینیم. هرچند که مناطقی به نام ارمنستان همواره وجود داشته‌اند، بطوريکه در شهر تبریز محله‌ای به همین نام وجود دارد که محل سکونت ارامنه است. صدیق کتاب فوق الذکر را که تالیف یک کشیش ارمنی است برای شناخت بهتر تاریخ عصر تیموری به فارسی برگردانده و توضیحات و

مسائل ادبیات نوین ایران
انتشارات دنیا، ترجمه ح. صدیق، تهران، ۱۳۵۵.
اثری است علمی و دانشگاهی که پیرامون آثار ادبیات مدرن بحث می‌کند.

مقدمه‌ای بر فلسفه تکاملی طبیعت و جامعه
اقتباس و ترجمه ح. صدیق، تهران، ۱۳۵۶، ققنوس.
ترجمه‌ای است از ترکی به فارسی که برای استفاده نوجوانان نگاشته شده است.

مسائل ادبیات دیرین ایران
انتشارات نویا، ترجمه ح. صدیق، تهران، ۱۳۵۵.
شامل مباحثی است دانشگاهی که بر محور ادبیات دیرین ایران دور می‌زند.

عاشیقلار
آذرکتاب، اثر ح. صدیق، تهران، ۱۳۵۳.
این را باید نخستین اثری دانست که در ایران به بحث در مورد «عاشیق»‌ها می‌پردازد. جزو آثار مرجع در ادبیات ترکی به شمار می‌رود.

آشنایی با رسالات کهن موسیقی
(برای تدریس در دوره‌های موسیقی ایران بر این سرفصلهای شورای عالی برنامه ریزی وزارت علوم و آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران) تهران، ۱۳۷۵، نشر کلام. (چاپ دوم نشر فاخر)
مولف، این اثر را که متون درسی نسبتاً سنگینی را دربرمی‌گیرد به تقاضای

توسط خواجه علی خوارزمی سروده شده است. دکتر صدیق، متن اثر را نیز در کتاب ارائه می‌دهد.

سیری در اشعار ترکی مکتب مولویه

دکتر حسین محمدزاده صدیق، سیری در اشعار ترکی مکتب مولویه، تهران، ۱۳۶۹، انتشارات فقنوس.

جلال الدین محمد بلخی مرید دلسوزخته شمس تبریز که با لقب مولوی در عالم ادبیات شناخته شده است اختر درخشانی است که در سیمای ادبیات، همواره فروزان خواهد بود. بعید است کسی در وادی ادب به سیر و سلوک بپردازد و بتواند خویشن را از تأثیرات و تاثرات مولوی دور نگهدارد. این شاعر ترک تبار در زبانهای فارسی، ترکی و یونانی به آفرینش ادبی دست زده است.

دیوان ترکی وی در تبانی عمد و سهو سر به قربانگاه نهاده و اینک جز ابیاتی چند از این مجموعه باقی نمانده است. دکتر صدیق در این اثر خود که در حقیقت تلاشی است برای حفظ و شناساندن محدود آثار ترکی بر جای مانده از مولوی به شرح اشعار ترکی مولوی و شناساندن مکتب مولویه در ادبیات ترکی می‌پردازد. حقیقتاً مکتب مولویه با داشتن سیماهایی چون عmadالدین نسیمی، ختایی، بایرک قوشچو اوغلو، یونس امره، حاج بایرام ولی، غریبی،... از گسترده‌ترین و تأثیرگذارترین مکاتب در ادبیات ترکی است.

این کتاب ارزشمند در حجمی کم و بطور خلاصه زاویه‌ای کم شناخته و در عین حال گسترده را می‌شناساند، کاری که تنها از دست دکتر حسین محمدزاده صدیق برمی‌آید و بس.

مقالات تربیت

بکوشش ح. صدیق، تهران، ۱۳۵۴، انتشارات دنیای کتاب.

تعليقات علمی را بدان افزوده است. او در این کتاب نشان می‌دهد که سرزمینی که امروزه به ناحق نام ارمنستان گرفته است زمانی مسکن ترک زبانان آذری بوده است و ترکان و ارمنه همواره باهم و در کنار هم می‌زیسته‌اند و این مسئله برخلاف ادعاهای پوچ و نژادگرایانه داشناک‌ها است.

یوسف و زلیخا

حکیم ابوالقاسم فردوسی و خواجه علی خوارزمی، با مقدمه و تصحیح دکتر حسین صدیق، تهران، ۱۳۶۹، انتشارات آفرینش.

فردوسی شاعری است که با اثر سترک خویش شاهنامه، شهرتی جهانی دارد. او برای تالیف این اثر ۳۰ سال از بهترین ایام عمر خود را صرف کرده اما در ایام پیری از این مسئله نادم شده و به قول خودش از افسانه‌های دروغین روی برگردانده و برای جبران آن با الهام از قرآن داستان یوسف و زلیخا را به نظم درآورده است.

این اثر ارزشمند مشتمل بر ۶۰۰۰ بیت است. در ایران مقاومت سختی در برابر پذیرش این حقیقت که خالق این اثر فردوسی می‌باشد بعمل آمده است. دکتر صدیق، این کتاب را بر اساس نسخه خطی شماره ۵۰۶۳/۱ کتابخانه دانشگاه تهران تنظیم و چاپ کرده است.

حقایقی که فردوسی در این اثر برزیان می‌آورد کابوس هولناکی است که همواره رویای شیرین سلطنت ۲۵۰۰ ساله را که بر مبنای شاهنامه و افسانه‌های مشابه بنا شده است آشفته می‌سازد و این مهمترین دلیل عصیان و مقاومت ادبا و محققین آریامهری در برابر شناسانده شدن این اثر بوده است. هرچند که دنیا فردوسی را با «شاهنامه» می‌شناسد اما هویت درونی و اصلی فردوسی در «یوسف و زلیخا» نهفته است.

در این کتاب، دکتر صدیق پس از تقدیم متن کامل یوسف و زلیخا به بحث پیرامون نخستین یوسف و زلیخای زبان ترکی می‌پردازد که در سال ۶۳۰

تهران، انتشارات بابک، ۱۳۵۱.
به بررسی زبانها و نیم زبانهای می‌پردازد که اقلیت‌های ایرانی زبان ساکن آذربایجان - نیاکان این اقوام در زمان انوشیروان و با اهداف سیاسی به داخل آذربایجان کوچانیده شدند - بدانها صحبت می‌کند و به ردّ نظریات غیر علمی و فرضیه‌های شوونیستی می‌پردازد.

اون دؤرد معصوم ترجمه حالي (۱۴ جلد)

نوشته: دکتر صدیق، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۷۲.
مولف برای هریک از معصومین ترجمه حالي نوشته است به زبان ترکی.
که هر کدام بصورت کتاب مستقلی چاپ شده است.

امام خمینی دیوانی

ترجمه حسین دوزگون، دفتر نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۶، تهران.
صدیق جزو آن دسته از شعرا و محققین است که دلیستگی خاصی به امام خمینی و راه انقلابی اش دارد. او ۶۴ غزل، ۶۴ رباعی و یک ترجیع بند ایشان را بصورت منظوم به زبان ترکی ترجمه کرده است. دکتر صدیق همچنین منتخب جامی از احادیث پیغمبر (ص) را به زبان ترکی ترجمه کرده است. این اثر مشهور فضولی در ایران به همت دکتر صدیق چاپ و با مقدمه‌ای از وی زینت یافته است.

این آثار در هفته‌نامه سهند و نیز از سوی دفتر تنظیم و نشر آثار امام بصورت مستقل چاپ گردیده است (۱۳۷۲) اما دیوان امام خمینی بعلت ممانعت از ذکر نام «حسین دوزگون» هنوز مستقل‌آلا چاپ نشده است.

اساسی قانون

ترجمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، زیر نظر دکتر حسین محمدزاده صدیق، مترجم رسمی زبان ترکی استانبولی و ترکی آذری

این کتاب که جزو آثار مرجع شمرده می‌شود مقالات فارسی مرحوم تربیت را در یک جا گردآورده است.

رند و زاهد

اثر ملا محمد فضولی، بکوشش ح. صدیق، تهران، ۱۳۵۴.
دکتر صدیق تصحیح مرحوم ادب کورکچو اوغلو را با یک مقدمه و فهرست ارزشمند چاپ کرده است.

آیت الله خامنه‌ای نین نطق‌لری

ترجمه دکتر ح. صدیق، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۷۶.
۵. سخنرانی رهبر انقلاب اسلامی با نشری زیبا به زبان ترکی ترجمه شده است.

قیرخ حدیث

ملا محمد فضولی، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۷۱.
عالیم شرق و متفکر جهان اسلام، مولانا محمد فضولی چهل حدیث منتخب جامی از احادیث پیغمبر (ص) را به زبان ترکی ترجمه کرده است. این اثر مشهور فضولی در ایران به همت دکتر صدیق چاپ و با مقدمه‌ای از وی زینت یافته است.

معصوم‌لاردان قیرخ حدیث (۱۴ جلد)

گردآوری و ترجمه: دکتر صدیق، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۷۱.
دکتر صدیق در ۱۴ جلد کتاب از هر یک از معصومین ما ۴۰ حدیث را برگزیده و به زبان ترکی ترجمه کرده است.

گفتاری پیرامون زبانهای ایرانی رایج در آذربایجان

فارسی را نیز به ترکی ترجمه کرده و نهایتاً بصورت یک کتاب منتشر ساخته است.

زبان و ادبیات ترکی

تألیف دکتر حسین محمدزاده صدیق، دانشگاه ارومیه، ۱۳۷۱، ارومیه (درسنامه) ۴۰۰ صفحه.

این اثر شامل بخش‌های گرامر، تاریخ زبان و نیز قطعات نظر و نظم می‌باشد و دانشگاه ارومیه آن را بصورت یک جزو درسی منتشر کرده است.

فرهنگ ترکی به فارسی و فارسی به ترکی

این کتاب هنوز به زیور طبع آراسته نشده است. اثری است در ۲۴ جلد که شمره زحمات ۳۰ ساله مولف می‌باشد. برای چاپ اثر از دانشگاه‌های کانادا و «مالمو» سوئد به دکتر صدیق مراجعه شده است اما او قصد دارد کتاب را در ایران به چاپ برساند؛ و به همین منظور به مجلس شورای اسلامی و استانداری آذربایجان شرقی مراجعه نموده است که تفصیلات آن در «امید زنجان» چاپ مرداد ۷۶ آمده است.

ایله‌ی عدالت

آیت الله ناصر مکارم شیرازی، درسه‌های عدالت برای نوجوانان، برگردان حسین سرخابی‌ی، انتشارات بعثت، تهران، ۱۳۷۰.

دومین جلد کتاب «اصول عقاید» چنین نامیده می‌شود. اثر در ۸۰ صفحه و در ۱۰ فصل ترجمه گردیده است.

معد تائیما

آیت الله ناصر مکارم شیرازی، درسه‌های شناخت معد برای نوجوانان، برگردان دکتر ح. م. صدیق، انتشارات بعثت، تهران، ۱۳۷۰.
ترجمه جلد پنجم کتاب اصول عقاید می‌باشد. جلد‌های دیگر با نامهای «الله

جمهوری اسلامی ایران، دفتر نشر قوه قضائیه، ۱۳۷۲.

اسلامی جزالار قانونو

ترجمه قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران، زیر نظر دکتر حسین محمدزاده صدیق مترجم رسمی زبان ترکی استانبولی و ترکی آذربایجانی اسلامی ایران، دفتر نشر قوه قضائیه، ۱۳۷۲.

این دو جلد کتاب نیز چاپ گردید ولی بدليل آنکه مولفش صدیق بود منتشر نشد!

برگزیده متون نظم و نثر ترکی (جلد ۱)

انتشارات است، تهران، ۱۳۷۳.

برای تدریس زبان و ادبیات ترکی در دانشگاه‌ها تالیف گردیده است و نخستین درسنامه علمی زبان ترکی در ایران است.

برگزیده متون نظم و نثر ترکی (جلد ۲)

دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ۱۳۷۴.

جلد دوم اثر فوق الذکر می‌باشد.

تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمد (ص)

قاضی بهلول بهجت، ویرایش و مقدمه: دکتر حسین محمدزاده صدیق، بنیاد بعثت تهران، ۱۳۷۳.

قاضی بهلول بهجت یک قرن پیش از این، اثری به زبان ترکی نوشته است در حق پیغمبر و معصومین که با نام «تشریح و محاکمه» شناخته می‌شود. ترجمه فارسی کتاب با مقدمه مترجم میرزا مهدی ادیب و مرحوم طالقانی منتشر گردیده است. دکتر صدیق متن اصلی کتاب را یافته و مقدمه‌های

متون نظم ترکی (۱۲ جلد)
انتشارات فتحی، تهران، ۱۳۷۲.

هر یک از مجلّدات در ۴۰۰ صفحه چاپ گردیده ولی هنوز منتشر نشده است. هر مجلّد به بخش‌های مختلفی تقسیم می‌گردد.

متون نشر ترکی (۶ جلد)
انتشارات فتحی، تهران، ۱۳۷۲.
طالع این اثر نیز همانند اثر پیشین است.

چیل مایدان

اسفانه اسب از فولکلور آذربایجان، نقاشی از یعقوب عمامه پیچ، انتشارات رز، تهران، ۱۳۵۶.

دیوان غریبی

انتشارات رودکی، تهران، ۱۳۷۱.
از دیوان غریبی تبریزی تنها یک نسخه، آن نیز در کتابخانه مجلس شورای اسلامی محفوظ است. این نسخه به همت دکتر صدیق آماده و بصورت کتاب درآمده است.

دیوان فارسی و ترکی نباتی
انتشارات احرار، تبریز، ۱۳۷۳.

در دو جلد چاپ شده و متأسفانه مقدمه یکصد صفحه‌ای اثر حذف گردیده است. این اثر علمی به کنگره «حکیم نباتی» تقدیم شده است. و نمونه بسیار کامل و زیبایی از تصحیح دانشگاهی متون قدیمی ترکی بشمار می‌رود.

تائیما»، «پیغمبر تائیما» و «امام تائیما» چاپ شده است.

قیسا سؤزلر
امام خمینی (ره)، قیسا سؤزلر (اویودلر و حکمت‌لر)، مرکز شر و تنظیم آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۴.

کتاب در قطع وزیری و در ۲۲۶ صفحه منتشر گردیده است. علاوه بر زیبایی ترجمه و استحکام آن، موضوع جالب توجه این است که مترجم این سخنان کوتاه را بر حسب موضوع مرتب کرده است.

دو قلوهای ترک

نوشته جاهید اوچوق، ترجمه ح. صدیق، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۵۴، تهران.

این کتاب به دفعات منتشر گردیده و جایزه «هانس کریستین» را به خود اختصاص داده است، در ایران نیز اثری شناخته شده است.

تورکجه دیل بیلگیسی

دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۷۴.
جهت تدریس در دانشگاه امام صادق تالیف گردیده و از سوی همان دانشگاه نیز بصورت جزو درسی منتشر گردیده است.

فضولی نین غزل‌لرینه شرح

دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ۱۳۷۳.
شرح قصیده‌ی مشهور «سو» و ۱۰ غزل دیگر از شاعر بزرگ فضولی است که بصورت درسنامه‌ای منتشر گردیده است.

و برای مادر سروده است.

یادمان‌های ترکی باستان

دکتر حسین محمدزاده صدیق، تهران، ۱۳۷۹، انتشارات نخلهای سرخ.
متن اصلی، آوانگاری و ترجمه فارسی سه کتیبه مشهور «تون یوقوق»،
«بیلگه قاغان» و «کول تگین»، بهمراه واژه‌نامه و دستور زبان کتیبه‌ها در این
کتاب ارائه شده است. نخستین اثر در زبان فارسی است که به بررسی و
تدقیق متون ترکی باستانی می‌پردازد.

تبریز یوللاریندا

مجموعه‌ی زیباترین اشعار عاطفی شاعر در رابطه با تبریز.

نصاب اعتماد

میر مهدی اعتماد تبریزی، تصحیح و تحریمه دکتر حسین محمدزاده صدیق، تهران،
. ۱۳۸۰.

لغتنامه‌ای ترکی - فارسی است منظوم، سروده مرحوم اعتماد که دکتر
صدیق آن را ویرایش کرده و حاشیه نگاشته است.

گلشن راز شبستری

قسمتی از مقدمه‌ی کتاب چنین است:
«با نام «شيخ محمود شبستری» و «گلشن راز» در سال ۱۳۴۱ آشنا شدم.
نوجوان هفده ساله‌ی کنجکاوی بودم که در تبریز تقریباً همه روزه عصر، به
کتابخانه‌ی «تربیت» می‌رفتم و هر روز با کتابهایی مشغول می‌شدم. از «باب
الالباب» گرفته تا «مجمع الفصحا» را ورق می‌زدم و یادداشت برمی‌داشت،
قصیده‌ی «میرفندرسکی» را حفظ می‌کردم، برای کشف مجھولات خود به
«کشف الظنون» سرمی‌زدم و «گلشن راز» را در خدمت حکیم فرزانه‌ی عصر،

زندگی و اندیشه نظامی
چاپ اول انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۵۴ و چاپ دوم انتشارات طوس،
تهران، ۱۳۶۰ ۲۰۱ صفحه.

هامی ایچون اسلام
رضا اصفهانی، ترجمه دکتر ح. م. صدیق، ناشر موسسه روزنامه
اطلاعات، تهران، ۱۳۷۲.

اسلام احکامی
با امضای مستعار «صفدر شمایلی سرخابلو»، تهران، ۱۳۷۱، بنیاد بعثت.

شرح غزلهای صائب تبریزی
تالیف دکتر حسین محمدزاده صدیق، انتشارات است، تهران، ۱۳۷۱.
برای تدریس در دوره‌های دکترای ادبیات فارسی تالیف گردیده است.

امثال لقمان
میرزا حسن رشدیه، مقدمه و تصحیح دکتر حسین محمدزاده صدیق، انتشارات
زوفا، تهران، ۱۳۷۹.

امثال لقمان اثری است که میرزا حسن رشدیه جهت تدریس برای طفلان
ترک زبان تقریر کرده است. دکتر صدیق ضمن آماده سازی این اثر برای چاپ
مقدمه‌ای علمی برای اثر نوشته و به بررسی درسنامه‌های زبان ترکی پرداخته
است.

آناما هدیه (شعرلر)
حسین دوزگون، تهران، ۱۳۷۸.
مجموعه کوچکی است از اشعار زیبا و بسیار لطیف که شاعر در حق مادر

ناشر: تازه‌های، چاپ اول ۱۳۷۸، تهران.
از جمله کتابهای درسی دانشگاهی است که دکتر صدیق در سال ۱۳۷۸
بعنوان استاد دانشگاه‌های هنر تهران برای تدریس در دانشگاه‌های هنر تألیف
کرده است. بخشی از این کتاب در بردارنده منشوی «هفت جام» اثر ملا محمد
فضولی و بخش دیگر «حکایتهایی از قارامجموعه» شیخ صفی الدین
اردبیلی از زبان صاحب «صفوة الصفا» نام دارد و چند سال است که در
دانشگاه‌های هنر تدریس می‌شود.

آشنایی با متون ادبی

این کتاب نیز برای تدریس در رشته‌های هنر تألیف شده و در دانشگاه
سوره در تهران تدریس می‌شود. بخش اصلی این کتاب را «ایقاع» تشکیل
می‌دهد که موضوع اصلی ادبیات هنر موسیقی درگذشته بوده است.

گونشلی وطن یادداشت‌لاری

این کتاب محصول سفر یک ماهه دکتر صدیق در سال ۱۳۵۹ به باکو و
شرکت در هفت‌مین کنگره نویسنده‌گان و شاعران آذربایجان است. نشری بسیار
شیوا دارد و شاید بتوان ادعا کرد که زیباترین و مؤثرترین قطعات نثری دوران
معاصر آذربایجان را می‌توان در این کتاب دید. نویسنده در برخورد با
حادثه‌ها با صداقت و صمیمیت تمام حرف می‌زند و آنچه را که مشاهده کرده
با قلم شیوایی بازگو می‌کند. معایب، نفائص و محاسن جامعه شوروی آن
زمان را به تصویر می‌کشد و نتیجه می‌گیرد که انقلاب اسلامی به دوران سیاه
و تاریک آذربایجان خط بطلان کشیده است و عشق و اخلاص شخصیت‌های
ادبی باکو به امام و انقلاب اسلامی را به زبان می‌آورد و بارها از زبان آنها
می‌گوید که آماده‌اند به تهران بیایند و برای زائران امام خدمت کنند و چای
بدهند.

این سفرنامه در بخش‌های مختلف تنظیم شده است و در هر جا که مؤلف

مرحوم «محمد حسن برهانی»، کاشف اسرار علاقه نامرئی مشائیون و عرفا
تحصیل می‌کرد. فیلسوف مظلومی که از کسوت اهل ظاهر به در آمده، به
كتابداری در مخزن گنجینه‌ی مرحوم تربیت مشغول بود. همو مرزا با مرحوم
«عبدالصمد امیر شقاقی»، نحوی و لغوی و ادیب نام آور تبریز آشنا ساخت و
به خوش‌چینی از محضر ایشان در تحصیل عاشقانه‌ی «مفاتیح الاعجاز
فی کشف گلشن راز» پرداختم. آوخ که هر دو استاد فرزانه قلم بر دست گرفتن
و یادگار مکتوب بر جای گذاشتن را دون شأن خود دانستند، رخت از جهان
برستند و میراث معنوی شان وارث نشناخت و پراکنده شد...

مقالات ایرانشناسی

این کتاب بطوری که در مقدمه آن گفته شده در ۲۰ جلد چاپ خواهد شد.
جلد اول و دوم آن به همت آقای «عبدالله کردی» توسط انتشارات فاخر در
۱۳۷۹ چاپ شده است و حاوی مقالات و اسناد درباره ادبیان و شاعران
عربی نویس و فارسی سرای آذربایجان است.

قشقاوی لوحه‌لری

دکتر صدیق در سال ۱۳۷۷ به همراه مرحوم دکتر محمد تقی زهتابی برای
شرکت در بزرگداشت «مأذون قشقاوی» به شهر «بروجن» دعوت شد و
مقالاتی نیز در باره این شاعر در مطبوعات کشوری نوشت و در کنگره
سخنرانی کرد. در طی چند روز اقامت در میان ایل قشقاوی با تأثیری پذیری از
سادگی، خلوص و صفا و صمیمیت افراد ایل شعرهایی درباره این ایل سروده
که تحت نام فوق در همان سال چاپ شد. برای بررسی کامل مجموعه‌های
شعر دکتر صدیق می‌توان به کتاب با ارزش «سوز سوراغیندا» اثر منتقد و
شاعر معاصر آقای «بهروز ایمانی» مراجعه کرد.

متون ادبی هنر

تحصیلی او داشتند که با استفاده از آن بتوانند مقطع دکتری در این رشته را در آن واحد برگزار کنند. ولی استقبالی که دانشجویان در یکی دوماه اول پائیز سال ۱۳۷۶ از استاد دلسوز و مبارز خود کردند، بعضی از مسئولان را طوری به وحشت انداخت که در اول آذرماه همان سال صلاحیت او را رد کردند!

دکتر صدیق در چند ماهی که در دانشگاه زنجان حضور داشت، کلاس زبان و ادبیات ترکی را نیز دایر کرد و کنگره «پژوهش در آثار ترکی شهریار» را برگزار نمود.

کتاب فوق مجموعه اشعاری است که در مدت اقامت خود در زنجان سروده است. اشعار این مجموعه سرشار از مضامین حسرت، اعتراض و ذکر تاریخ غنی و پر عزّت زنجان است.

اردبیل لوحه‌لری

پیش از انقلاب، صدیق یکی دو سال در اردبیل تدریس کرده است و دستگیری و اسارت وی به دست ساواک در سال ۱۳۴۹ نیز در همین شهر اتفاق افتاد. بسیاری از تحصیل کرده‌های اردبیل خاطره‌های زیادی از کلاسهای پر جوش و خروش وی در آن سالها در دبیرستانها دارند. مجموعه شعر فوق دربردارنده اشعاری است که صدیق در مقاطع مختلف زندگی خود درباره اردبیل و اهالی آن شهر و خاطره‌های خود سروده است.

حکیم ملا عبدالله زنوی و زنویه مکتبی

حکیم آخوند ملا عبدالله زنوی از اعاظم فیلسوفان اسلامی در تاریخ فلسفه آذربایجانی است که با الهام از فلسفه اشرافی توانست در تاریخ فلسفه «طریقت زنویه» را بنیان گذارد. در این کتاب پس از بحث پیرامون زندگی و آثار او ترجمه ترکی بخشی از اثر فلسفی «منتخب خاقانی فی کشف حقایق عرفانی» با استفاده از اصطلاحات بدیع فلسفی در ترکی آذربایجانی ارائه شده است. نویسنده در مقدمه کتاب از فلسفه و تاریخ آن صحبت می‌کند و

فرصت پیدا می‌کند از دیسیسه‌های آمریکا و عوامل داخلی آنها نیز که برای شکست انقلاب اسلامی فعالیت می‌کنند با قلمی ادبیانه پرده بر می‌دارد و از جامعه شوروی نیز انتقاد می‌کند.

شیخ محمد خیابانی حمامه‌سی

یک منظومه بلندی است که بصورت کتاب در ۸۰ صفحه منتشر شده است و شاید بتوان ادعا کرد که با صلاحیت ترین اثر حمامی ترکی در قرن حاضر است. شاعر در این منظومه از ظرفیت‌های قالب‌های شعر ترکی با استادی استفاده کرده است و هر یک از موضوع‌های منظومه را در یک وزن مخصوص سروده است. درباره اهمیت این منظومه و صلابت و عظمت آن باید استادان شعر ترکی بحث کنند و جایگاه رفیع آن را معلوم نمایند. در این منظومه زندگی فاجعه آمیز و در عین حال افتخار آمیز شهید شیخ محمد خیابانی از کودکی تا روز شهادت به نظم کشیده شده است.

فرزند ایل سرافراز

اثری است که دکتر صدیق در شرح احوال و افکار «جهانگیر خان قشقایی» نگاشته است که بمناسبت کنگره بین‌المللی بررسی اندیشه‌های حکیم جهانگیر خان قشقایی در سال ۱۳۷۹ از طرف کنگره چاپ شده است. نویسنده در تحقیقات خود به ایل قشقایی توجه خاصی دارد و به بسیاری از آثار محققان قشقایی مقدمه نوشته و یا در کارهای آنان را همراهی کرده است.

زنگان لوحه‌لری

دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، در سال تحصیلی ۱۳۷۶-۷۷ از دکتر صدیق دعوت کرد که بعنوان عضو هیئت علمی در گروه زبان و ادبیات فارسی آن دانشگاه تدریس کند. ظاهرآً مسئولان وقت نیاز به تخصص و مدرک

فصل ۵

قارامجموعه

دکتر صدیق نشر قارامجموعه را مهمترین حادثه زندگی علمی خود می‌داند.^(۱) انتشار این اثر واکنشهای متفاوت و بعضًا متضادی را در جامعه برانگیخت و بعضی از به اصطلاح مدافعان فرهنگ و هویت آذربایجان حتی شخصیت علمی صدیق را زیر سؤال برداشت و اتهامات ناروایی بروی بستند. به هر حال این کشف مهم به برخی ابهامات تاریخی در مورد شیخ صفی الدین اردبیلی و عقاید وی پاسخ می‌دهد و از این رو علاوه بر ارزش ادبی و جایگاه آن در تاریخ ادبیات آذربایجان، از منظر تاریخ صفویان نیز اهمیتی خاص دارد.

نسخه خطی که دکتر صدیق کشف کرده است «در ۱۲۳ برگ (۲۴۵ رویه) با نستعلیق زیبای میرعماد قزوینی استنتاج شده است و دارای ۳۴۳۰ سطر می‌باشد و مشحون از تذهیب و نگاره‌های کتاب آرایی سده یازدهم هجری است».^(۲)

صدیق خود، در مورد آشنا شدنش با این اثر منسوب به شیخ صفی چنین می‌گوید: «سال ۱۳۴۷، در تبریز هنگام تهیه مطالبی برای هفته نامه «مهد آزادی ویژه هنر و اجتماع» از کتاب «مختصر آذربایجان ادبیاتی تاریخی» اثر مرحوم حمید آراسلی، با نام قارامجموعه آشنا شدم. بعدها در کتب «ترجم احوال و تذکره‌ها» نیز به نام این کتاب برخوردم و پیوسته آرزوی یافتن و مطالعه آن را داشتم. سال ۱۳۵۱ در تهران، هنگام تدوین کتاب «مقالات تربیت» و نگارش شرح احوال و آثار مرحوم محمد علی تربیت، تاکید آن مرحوم بر اهتمام به کشف «قارامجموعه» مرا بر آن داشت که بطور جدی

سپس از «تاریخ فلسفه در آذربایجان» سخن به میان می‌آورد و از فیلسوفانی مانند شهاب الدین سهروردی، ودود تبریزی، ملا رجبعلی تبریزی و افکار فلسفی آنان بحث می‌کند و کتابهای ملاعبدالله نظیر «لمعات الهیه» و «انوار جلیه» را معرفی می‌کند.

در بخش دوم که ترجمه متن فلسفی است برای اصطلاحات فلسفی معادله‌ای ترکی اختراع کرده که بسیار جالب توجه است. مانند «اؤزه ک» بجای ماهیت، «اؤزلوک» بجای نفس، «اولوش» بجای وقوع، «اولاسیز» بجای ممتنع، «دئنگو» بجای «دور»، «ایشلک لیک» بجای فعلیت، «ائیدیملی» بجای بالفعل و دهها نظایر آن.

این کتاب در نوع خود در زبان ترکی آذربایجان بی نظیر است.

۱. مصاحبه‌های علمی پدرم ص ۷۸. ۲. همان، ص ۳.

نیز جزئی از «قارامجموعه» یافتم.^(۱) بدین ترتیب پس از تقریباً سه دهه صدیق گمگشته خود را می‌یابد و آن را به عنوان مهمترین یافته علمی خود و «مهمنترین حادثه زندگی علمی» اش به چاپ می‌سپارد. خاطر نشان می‌شود که وی علاوه بر شناساندن اثر در مراجع و نشستهای داخلی، در سفری که به جمهوری آذربایجان داشت نیز، قارامجموعه را در آکادمی علوم این جمهوری معرفی کرد.

قارامجموعه در حقیقت مقامات و کرامات و اقوال و اشعار و نصایح شیخ صفی‌الدین اردبیلی است که مریدانش ویرایش و جمع آوری و تالیف نموده‌اند.

«از قرن سوم هجری به این سو، در ایران و سویهای آن، در تاریخ ادبیات عربی، ترکی و فارسی متصرفه، مریدان مشایخ صوفیه، درباره شرح احوال و مقامات و کرامات و اقوال و سخنان و نصایح و مناقب آنان، سالها و حتی قرنها بعد از مرگ مشایخ خود، اقدام به تهیه و تنظیم و نگارش رسالات و کتب می‌کرددند و به نام آن شیخ معروف می‌ساختند.

مثلًاً در باب یکی از مشایخ صوفیه موسوم به «ابوسعید ابوالخیر» چندین کتاب جامع در حالات و کلمات و روایات او، نگاشته شده است. یکی از آن رسالات کتابی است که نواده‌ی او «جمال الدین ابوروح لطف الله بن ابوعسید» نوشته است.

شیخ صفی‌الدین اردبیلی هم یکی از مشایخ کبار صوفیه بوده است و به ترکی صحبت می‌کرده است. مریدانش رسالات منسوب به او را جمع آوری کرده‌اند و آنچه را که در باب او و به نقل از کلمات او، نصایح و سخنان او و نظائر آن به ترکی تالیف کرده‌اند، نام آن را «قارامجموعه» گذاشته‌اند که در کتب تراجم احوال و تذکره‌های مربوط به نام آن اشاره می‌شود. و این

۱. مصاحبه‌های علمی پدرم ص ۷۷ و ص ۷۸ (روزنامه ایران، چهارشنبه ۱۰ آذر ۱۳۷۸).

ص ۱۲ (بخش هفت هنر))

موضوع را دنبال کنم. در سالهای پیش از انقلاب هر ترکی پژوهی در مظان اتهام قرار داشت و من برای موجه جلوه دادن پژوهش در نسخ خطی کتابخانه‌های تهران، موضوع پایان نامه خود را در مقطع فوق لیسانس رشته کتابداری دانشگاه تهران، «کتابشناسی نسخ خطی دوره صفویه» انتخاب کردم. اما تلاش من به جایی نرسید. تا اینکه سال ۱۳۵۸ توانستم به ترکیه سفر کنم و مشغول تحصیل و تحقیق در دانشگاه استانبول شدم ...

در طی تحصیل پیوسته به دنبال گمشده خود بودم و نسخه‌های زیادی که مربوط به دوره صفوی بودند را بررسی کردم اما هیچگاه به رساله‌یی موسوم به «قارامجموعه» برخوردم، ولی رساله‌های چندی مربوط به شیخ صفی و مریدان او یافتیم. به مجموعه شعر ترکی با تخلص صفحی برخوردم اما هیچگاه نمی‌دانستم که اینها قسمتی از قارامجموعه هستند.

از سال ۱۳۶۲ به این سو، در تهران نیز، پیوسته ذهنم به کشف قارامجموعه معطوف بود. تا اینکه در سال گذشته (۱۳۷۷) هنگام یادداشت برداری از مطالب یکی از رسالات «کلمات و نصایح شیخ صفی» ناگهان به این جمله برخوردم که «سنّه قارامجموعه دن بیر حصه یازدیم ...» و متوجه شدم که «قارامجموعه» در واقع، مجموعه‌یی بوده است که رسالات مربوط به طریقت شیخ صفی، کلمات، نصایح و مناقب او در آن جمع شده است و لفظ «قارا» در اینجا به معنای بزرگ و قطور آمده است.

دویاره به بازیبینی رسالاتی که از ترکیه آورده بودم پرداختم. در یکی از آنها به این جمله برخوردم: «بوقارا مجموعه‌نی اوخو، قارانینی...» و در یکی دیگر نوشته بود: بوشیخ صافی نین قارامجموعه سی....»

متوجه شدم که کلمه «صفی» تحریف مستنسخ از «صفی» است و در رساله‌های دیگر نیز به این صورت از کلمه صافی برخوردم. در این میان فرزندم (یاشار) ضمن تفحص در کتابهای ترکی موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مرا از وجود کتابی به نام «البويورق» مطلع کرد. این کتاب را

در بخش دوّم (ص ۴۱ - ۴۲) کتاب قارامجموعه، ۱۸ شعر از اشعار ترکی منسوب به شیخ صفی‌الدین گردآوری شده است.

این اشعار را دکتر صدیق در سال ۱۳۵۹ از دو نسخه خطی محفوظ در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران و نیز کتابخانه ملک کشف کرده است. توصیفات فنی مربوط به دو نسخه در صفحات ۳۳ و ۳۴ ارائه گردیده است.

صدیق خاطرنشان می‌کند که وی قبلًاً این اشعار را اشتباهاً به صفوی قلی چرکس منسوب می‌دانسته و به نام وی در سال ۱۳۶۱ در مجله «ینی یول» چاپ کرده بود. ولی «به لائیل زبانشناسی و نسخه‌شناسی و نیز اتکا به تایید بسیاری از صاحبنظران» از جمله مرحوم سلمان ممتاز و دکتر فیض الهی (که غزلی از این مجموعه را در میان آثار شیخ صفی چاپ کرده است) و با تدقیق و بررسی اسناد کهن به این نتیجه رسیده است که این اشعار، بازمانده دیوان مفقود شیخ صفی‌الدین اردبیلی است.^(۱)

البته ذکر این نکته ضروری است که در گردآوری و بررسی آثار کهن پیشینیان و تفاسیر و برداشت‌های مربوطه همواره اینگونه سهوها رخ داده است. و در بسیاری از این برداشت‌ها، تنها می‌توان از احتمالات و تقریب‌ها سخن گفت.

بخش سوم قارامجموعه (ص ۴۳ - ۴۸)، هفده بیت گیلکی منسوب به شیخ صفی را که در «سلسله النسب صفویه» آمده و کسری آن را دستمزده قرار داده و گفته است نمونه‌ای از زبان موهوم آذری است، در بر می‌گیرد. دکتر صدیق در این بخش برای نشان دادن تحریفات کسری، متن را عیناً و بی کم و کاست نقل کرده و با استفاده از «فرهنگ گیلکی ستوده» ریشه و معانی لغات گیلکی را نیز استخراج کرده است.^(۲)

در این اشعار که شیخ صفی‌الدین آنها را خطاب به شیخ زاهد گیلانی، به

۱. همان، ص ۹ و ۱۰.

مجموعه چنان عزیز بوده است که پیوسته در خزانه کتب شاهان صفوی در اصفهان نگهداری می‌شده است. و قبل از انتقال پایتخت به اصفهان نیز، در اردبیل و تبریز و قزوین نسخ متعدد و البته متفاوت آن در صندوقهای کتابخانه سلطنتی قزلباشان موجود بوده است و بعد از فروپاشی سلسله صفویه به تاراج رفته است، ولی پیوسته میان مریدان صفویه و قزلباشیه روایات و نسخ شاید بازنویسی شده واستنساخ‌های جدید و دستنویس‌های متعدد آن که اغلب «بیاض» نامیده می‌شده، وجود داشته است.^(۱)

قارامجموعه‌ای که دکتر صدیق کشف، تصحیح و منتشر ساخته است در واقع تنها بخشی از مجموعه اصلی است که مریدان تالیف کرده‌اند.

البته دکتر صدیق معتقد است که «قارامجموعه» یک تحریر اصلی به قلم خود شیخ صفی‌الدین نیز داشته است^(۲) و آنچه که وی گردآوری نموده، بویژه رسالات «البویوروق» و «یول اهلینه قیلاووز» از همان تحریر اصلی نشات یافته و با اخذ قوت والهام از روایات اصلی مربوط به شیخ صفی‌الدین تحریر شده است.

قارامجموعه را دکتر صدیق در ۹ بخش تدوین کرده است. در بخش نخست (ص ۱۵۳۰) پیرامون زندگی شیخ صفی، نگرش منفی کسری به شیخ صفی و فرزندان او، تعریف جامع از «قارامجموعه» و شرح ویژگیهای آن، معرفی دیگر آثار شیخ صفی که در قارامجموعه‌ها ذکر نشده است، بحث مربوط به نسخ خطی اسلامی به طور اعم، و معرفی نسخه‌های خطی در رابطه با قارامجموعه (ص ۲۵) بطور اخص، بحث پیرامون انواع نشر ترکی و تعیین نوع نثر «قارامجموعه» و ویژگیهای املائی و آئین نگارش نسخ خطی مربوطه آمده است.^(۳)

۱. گفتگو درباره قارامجموعه، تهران - آذر، ۸۰، ص ۲ و ۳.

۲. گفتگو درباره قارامجموعه، تهران - آذر، ۸۰، ص ۶.

۳. همان، ص ۸ و ۹.

تنظيم کننده این رساله نامعلوم است ولی احتمالاً اصل آن به قلم خود شیخ صفی الدین بوده است و بعدها، مریدان و طالبان، مطالبی را بر آن افروزد و یا از آن کاسته‌اند. هم رساله «البویورق» و هم «یول اهلینه قیلاووز» از کهن‌ترین نمونه‌های نثر ادبی ترکی آذربایجان در اوایل دوره صفویه و یک قرن قبل از آن است و ویژگی‌های زبان قرن هشتم را دارد.^(۱)

بخش هفتم قارامجموعه (ص ۹۶ - ۱۲۳) رساله «مزکی النفوس» را دربرمی‌گیرد. مؤلف رساله «شرف اوغلو عبدالله رومی» است و در آن از «تحقيق شیخ صفی» و از «شرح المثنوی» ترکی وی یاد می‌گردد.

بخش هشتم (ص ۱۲۶ - ۱۳۳)، «کئنول رساله سی» نام دارد که نگارش آن از «قایغوسوز» است.

بخش نهم (۱۳۶ - ۱۷۵) نگارش ترکی «صفوة الصفا» اثر «ابن بزار اردبیلی» است که خود از نسخه‌های کهن‌تر «قارامجموعه» به فارسی ترجمه کرده بوده است و تمام مطالب از زبان شیخ صدرالدین نقل می‌شود. همانطور که از لابلای سطور فوق آشکار می‌گردد «قاراممجموعه» ای که دکتر صدیق تدوین کرده است مجتمعه‌ای است که بخش‌هایی از قارامجموعه اصلی منسوب به شیخ صفی الدین اردبیلی به اضافه توضیحات و مطالب مرتبط با آن را دربرمی‌گیرد. و در حقیقت تلاشی است برای کشف و تدوین سایر بخش‌های این اثر صوفیانه.

انتشار آن ضمن معرفی بیشتر فرقه صفویه و بازناسی عقاید آنان، نقطه پایانی است بر بسیاری تحریفات تاریخی ناروا که در حق خاندان شیخ صفی الدین روا داشته شده است.

در خاتمه ذکر این نکته نیز ضروری است که اثر قارامجموعه از منظر نثر آذربایجانی نیز اهمیتی ویژه دارد و همانگونه که گفته شد از کهن‌ترین نمونه‌های منتشر ترکی آذربایجانی بشمار می‌آید. «سبک نگارش و شیوه

۱. همان، ص ۱۱ و ۱۲.

گیلکی سروده است، معانی عمیق عرفانی و تلمیحات به آیات ربیانی موجود است.

شیخ زاهد گیلانی مرشد و پدرزن شیخ صفی الدین بوده است و چند سال او را در خانه خود نگه داشته است. شیخ صفی الدین پس از فوت مرشدش، به شهر و دیار اردبیل رفته و خانه و کاشانه قبلی خود را از روستای «کلخوران» به شهر آورده، زاویه و خانقاہی تأسیس کرده و به ارشاد مریدان پرداخته است.

شیخ صفی دو همسر انتخاب کرده بود که دوّمی «بی‌بی فاطمه» دختر مرشدش به حساب می‌آمد. اولاد شیخ صفی الدین که بعدها به سلطنت رسیدند و سلسله صفویه را برپا داشتند، از خانم ترک تبار وی به دنیا آمدند.^(۱)

در بخش چهارم کتاب (ص ۵۰ - ۵۴) چند غزل و دو بیتی فارسی منسوب به شیخ صفی الدین با استفاده از تذکره «صبح گلشن»، کتاب «قاموس الاعلام»، تذکره «ریاض العارفین» آورده شده است که به گفته خود دکتر صدیق درجه انتساب آنها به شیخ صفی الدین نسبت به اشعار ترکی وی ضعیفتر است.^(۲)

بخش پنجم کتاب (ص ۸۱ - ۵۶)، رساله «البویورق» است که از سوی مریدان شیخ صفی الدین که خود را طالب می‌نامیدند و از زبان شیخ صدرالدین، در ۵۰ فصل نگاشته شده است. در هر بخش از رساله، شیخ صدرالدین سوالی از شیخ صفی الدین می‌کند و جواب آن را می‌نگارد. در برخی از بخش‌ها نیز بعضی تفاسیر از نوادگان شیخ صفی از جمله شاه اسماعیل آمده است که اهمیت اثر را دوچندان می‌کند.

در بخش ششم (ص ۹۳ - ۸۴)، رساله «یول اهلینه قیلاووز» آورده شده است.

۱. همان، ص ۱۱.

فصل ۶

دکتر صدیق و آذربایجان

مروری بر سالهای پر فراز و نشیب زندگی و نیز آثار دکتر صدیق نشان می‌دهد که آذربایجان و زبان و ادبیات آن موضوع اصلی اکثر تلاشها و آثار او بوده است.

شاید در طول دهه‌های گذشته و با توجه به اقتضای زمانی، بعضًا این مسئله رنگ و بوی ایدئولوژیکی نیز به خود گرفته باشد. اما صدیقی که امروزه می‌شناسیم، صدیقی که کوله بار دهه‌های تجربه فرهنگی - مبارزاتی را برداش می‌کشد، شخصیتی فرهنگی است و کانون مطالبات و فعالیتهاش نیز ادبی و فرهنگی می‌باشد. عملده‌ترین عرصه فعالیت او گستره مطبوعات و کتاب است و مهمترین دغدغه ذهنی اش فرهنگ و هویت آذربایجان. و در این میان همواره توجهی خاص به جوانان داشته است. مخاطبان آثارش عموماً نسل جوان ترک زبان است و در حقیقت جزو معدد روشنفکران آذربایجانی است که روابطی بسیار صمیمی با قشر دانشجو و جوان آذربایجان دارد.

دیدگاه دکتر صدیق نسبت به مسائل آذربایجان و زبان و ادب ترکی بیشتر فرهنگی است. او که خود تبعات سیاسی شدن مساله آذربایجان را تجربه کرده است نگرشی منفی نسبت به سیاست زدگی و حرکات سیاسی در آذربایجان دارد:

«من یک فرد سیاسی نیستم اما به تجربه می‌گویم که دشمن پیوسته سعی

تدوین کتاب تقلیدی بسیار ماهرانه و خردورزانه از حمامه‌های کتاب دده قورقد است و می‌توان گفت که در نوعبندی ادبی ترکی آذری، جزو متون عرفانی و درسی به شمار می‌رود... و به لحاظ تاریخ زبان‌شناسی و بررسی تاریخچه بسیاری از لغات و واژه‌های متروک ترکی معاصر و قواعد دستوری پراهمیت است»^(۱)

دکتر صدیق خود در بخشی از کتاب که به بررسی نشر ترکی آذربایجانی و سبک‌شناسی آن اختصاص داده است نشان می‌دهد که نشر رسالات «قارامجموعه» مانند اغلب کتب مناقب، فتوت نامه‌ها، اوغوز نامه‌ها، سیاحت نامه‌ها و کتب مراثی و حتی تفاسیر قرآن و شرح احادیث در ترکی، جزو نشر ساده و مردمی به شمار می‌رود و برخی از این رسالات در سادگی و زیبایی، مانند حمامه‌های «دده قورقد»، «کوراوغلو» و «اصلی و کرم» است.^(۲)

اهمیت دیگر انتشار «قارامجموعه» در آن است که باب تحقیقات جدید در این زمینه باز شد. مقالات متعددی در این باره نوشته شد و دو کتاب «قارامجموعه از منظر واژه‌شناسی» و «سیری در رسالات قارامجموعه» از آقای محمد صادق نائبی و کتاب «قارامجموعه و چالشهای علمی» بکوشش آقای ستار محمدزاده انتشار یافت.

۱. مصاحبه‌های علمی پدرم ص ۴ و ۵. ۲. گفتگو درباره قارامجموعه ص ۹.

دکتر صدیق معتقد است که قوم گرایی و نظریات ملی گرایانه، هیچگاه در ایران گفتمانی بومی و اصیل نبوده است.

شکل‌گیری و تکوین دولتهای ملی در اروپا طی قرون گذشته برای نخستین بار مباحثت ملی را در این قاره مطرح ساخت که امواج این گفتمان به زودی ممالک شرق را نیز درنوردید و ملی گرایی ابزاری شد برای تجزیه قدرتهای بزرگ اسلامی.

هم از این روست که علیرغم رواج گفتمان همگرایی جهانی هنوز نیز سیاستمداران غربی، افکار ملی گرایانه را در ممالک جهان سوم تلقین و ترزیق می‌نمایند: «پان فارسیسم و پان ایرانیسم را پیوسته لژهای فراماسونی و جاسوسهای انگلیس و نوکران و عوامل سرویسهای اطلاعاتی بیگانگان و دشمنان اسلام هدایت کرده‌اند. احمد کسری را در نظر بگیرید، او مرد شماره یک تفکر پان فارسیسم و اسلام ستیزی و ترکی ستیزی بود و می‌دانید که عضو وابسته انجمن پادشاهی لندن بود و فرمان از آنجا می‌برد. خود رضاخان را هم که عامل اجرای ایدئولوژی ناسیونالیسم فارسی ضد اسلامی بود اجنبیان آوردند و رسم نامیمون ترکی ستیزی را هم او در ایران تقویت کرد.

... هم اکنون پایگاه اصلی پان فارسیستها و ترکی ستیزان در امریکا دکه «احسان یارشاطر» است و او یک ایران ستیز است و در چهل سال اخیر سوء قصد به فرهنگ و اعتقادات مردم ایران اعم از ترک و فارس کرده است و می‌کند.

... اینان تلاش دارند که مساله اصلی ما را مساله زبان و مساله نژاد بکنند... خوب این القنات چه نتیجه‌ای خواهد داد. از سوئی در جوانان فارس، هیستری توجه افراطی به پان فارسیسم ایجاد می‌شود که منجر به نوعی فاشیسم خواهد شد و از سوی دیگر جوانان ترک اصیل ایرانی را به دامهائی که دیگران پهن کرده‌اند سوق خواهد داد و یا حداقل دل آزردگی از نظام

کرده است مساله ملی در آذربایجان را وارد جنجال‌های سیاسی بکند و سپس بایکوت و مسکوت بگذارد و بدینگونه یک یا دو نسل را فدای جاه طلبی‌ها و بی‌ریشه‌گاهی سیاسی کرده است. آذربایجان سرزمین الهی، مقدس و متدين است. در این سرزمین هرگونه حرکت غیر دینی محکوم به زوال است. مردم آذربایجان چون سنگ تخته‌ای پابرجا و مقاوم و سرافرازند که اگر به هر باد مخالفی بی‌اعتنایی کنند آنرا بی‌اثر می‌سازند... من جوانان را هشدار می‌دهم که مراقب باشند مساله ملی ما این بار نیز بایکوت نشود، این مساله را وارد جنجال‌های سیاسی بی‌ریشه نکنند. حرکت فرهنگی ما زمانی به نتیجه خواهد رسید که در چارچوب قانون اساسی و از مساجد و پایگاه‌های مردمی آغاز گردد. در این نهضت، مردم و مسئولان محلی همگی باید وحدت کلمه داشته باشند. گروه بازی و وابستگی‌های فکری و سیاسی به خوش نشین‌های داخل و خارج از هر نوع که باشد، آفت حرکت فرهنگی در آذربایجان است». (۱)

و در جایی دیگر باز نظر منفی خود را نسبت به وارد شدن در بازیهای سیاسی چنین بیان می‌دارد:

«... اما در مورد دخالت آن در سیاست، اگر منظورتان بازیهای سیاسی بی‌ریشه است، نه، من مطلقاً با آن موافق نیستم. دشمن پیوسته سعی کرده است که مساله آذربایجان را به جنجال‌های بی‌ریشه سیاسی منسوب سازد و با این روش مزورانه حرکت فرهنگی در آذربایجان را هر ده سال یکبار بایکوت و مسکوت کرده است. من به جوانان هشدار می‌دهم که در رویکرد عظیم اخیر به فرهنگ بومی خود، مراقب حیله‌ها و دسائیں دشمن و بازیهای سیاسی باشند. نسل امروز، دیگر نباید فریب بخورد... دفاع از آزادی زبان ما نباید وابسته به یک حزب و گروه و گروهک گردد. نسل نوخیز آذربایجان مسئول جلوگیری از این آفت است». (۲)

۱. مصاحبه‌های علمی پدرم، ص ۴۴.
۲. مصاحبه‌های علمی پدرم، ص ۸۸.

قدس جمهوری اسلامی...»^(۱)

دکتر صدیق خاستگاه بیشتر مشکلات فرهنگی آذربایجان را محلی می‌داند. به نظر وی این مسئولان محلی هستند که با مطرح ساختن بحث‌های کلیشه‌ای و انتقال اطلاعات غلط، ذهنیتی منفی را در لایه‌های بالای حاکمیت ایجاد می‌کنند.

والبته این مساله در عرصه‌هایی چون کتاب و مطبوعات کاملاً مشهود است. در سطح دانشگاهها نیز در حالیکه کلاس‌های زبان و ادبیات ترکی در شهرهایی چون تهران و اصفهان همواره با استقبال مسئولان مواجه شده در شهر تبریز با بی‌مهری و نظرات منفی مسئولان دانشگاهی که خود نیز ترک زبان بوده‌اند، روبرو گشته است:

«متاسفانه در تبریز منهای تعداد معددی از مسئولان محلی که در سالهای دفاع مقدس و بعد از آن خدمات مشخصی انجام داده‌اند، برخی از مسئولان فرهنگی از میان افراد بی تفاوت و بی درد انتخاب می‌شوند. بینید، مثلاً در استان یزد و یا استان کرمان مسئولان محلی را از میان کسانی که به فرهنگ و آداب و رسوم محلی استان عشق می‌ورزند و حساسیت و دغدغه خاصی نسبت به این مسائل دارند، انتخاب می‌کنند، چنانکه در سالهای اخیر ما شاهد رشد عظیم فرهنگی در این استانها بوده‌ایم. اما، متاسفانه در استانهای سرزمین آذربایجان، اغلب مسئولان فرهنگی، کسانی هستند که به زبان مقدس ترکی عشق نمی‌ورزند که هیچ، حتی برای حفظ مقام و موقعیت خود، سعی دارند که مساله فرهنگی آذربایجان را از مسائل نظام مقدس جمهوری اسلامی جدا سازند و با رفتار و گفتارهای کلیشه‌ای و ساختگی خود چنین وانمود می‌کنند که مسائل مانند مساله زبان و توجه و اعتناء به ادبیات اسلامی ترکی ربطی به وظایف دولتی آنها ندارد! و با ارسال گزارش‌های نادرست و تحلیل‌های غلط به تهران، ذهن مسئولان دولت

محترم را نسبت به مسائل فرهنگی آذربایجان بسیار مشوش می‌کنند و آنها را از اسطوره‌هایی نظیر پان ترکیسم و تجزیه‌طلبی و غیره می‌ترسانند و خدمت به اسلام و نشر معارف اسلامی و مقاهم قرآنی را با گسترش زبان فارسی یکی می‌شمارند و برای حفظ موقعیت و مقام خود هرگونه حرکت مشبت فرهنگی منطقه را با انگی خاص می‌رانند و بدینگونه دانسته یا ندانسته ره به سویی پیدا می‌کنند که سیل عظیم نسل جوان آذربایجان را که میل به شناخت هویت و اصالت قومی خود دارند، رو در روی نظام قدس جمهوری اسلامی قرار می‌دهند. و جوان آذربایجانی به جای اینکه زبان و ادبیات ترکی را در دانشگاه تبریز یاد بگیرد، چشم به مانیتورهای آمریکایی می‌دوzd و از نظام قهر می‌کند و رویگردن می‌شود». ^(۱)

ایران کشوری است که ریشه و سابقه فرهنگ و زبان ترکی در آن، از بسیاری از مدعیان این فرهنگ کهن‌تر می‌باشد. بسیاری از آثار ادبی ترکی در محدوده فرهنگی و جغرافیایی ایران به عرصه رسیده‌اند و مشهورترین حکومت‌های ترک تبار (سلجوقیان، غزنویان، خوارزمشاهیان,...) از آن ایرانیان بوده‌اند. اما امروزه می‌بینیم، کسانی مدعا شاعران، ادبیات، دانشمندان و معماران تاریخ باستان ما هستند که باید آنها را تنها زیرمجموعه‌ای از فرهنگ ترکی ایرانی بشمار آورد و اینهمه ناشی از غفلت ناروایی است که در طول دهه‌های گذشته نسبت به بازشناسی و معرفی این مفاخر فرهنگی مان روا داشته‌ایم.

با توجه به این حقایق و با در نظر گرفتن مصالح ملی، دکتر صدیق معتقد است که ایران باید مرکز اصلی ترکی پژوهی باشد.^(۲) و حتی پیشنهاد می‌کند که قوه مجریه به تاسیس فرهنگستان زبان ترکی مبادرت ورزد.^(۳)

۱. همان، ص ۴۲ و ۴۳.

۲. مصاحبه با هفته نامه آوای اردبیل (به نقل از مصاحبه‌های علمی پدرم، ص ۷).

۳. مصاحبه با هفته نامه سینا (همدان به نقل از همان، ص ۹۵).

۱. مصاحبه‌های علمی پدرم، ص ۸۸.

یکی دیگر از مشکلات فرهنگی آذربایجان، تعدد شیوه‌های نگارش ترکی می‌باشد. اغراق نیست اگر بگوییم تقریباً هر نشریه ترک زبان، شیوه نگارش خاص خود را دارد. با به عرصه رسیدن هر نویسنده‌ای، شاید بتوان گفت که شیوه‌ای متفاوت نیز در نوشتار به عرصه می‌رسد. بحث‌های فراوانی در مورد قواعد املاء مطرح شده که تاکنون نتیجه موثری نداشته است. صدیق را که خود از صاحب‌نظران این عرصه می‌باشد باید جزو آن دسته از نویسنده‌گان آذربایجانی دانست که به شیوه‌های سنتی نگارش صادق مانده و بعدت و ابتکارات شخصی و من درآورده را به آثار خود راه نداده است. او معتقد است :

«در طول تاریخ، ما همواره فرهنگ، نگارش داشته‌ایم، مساله املاء مساله جدیدی نیست. ما دریابی از نسخ خطی و دست نوشته کهنه داریم که بررسی و تدقیق قواعد نگارشی این نسخ وظیفه آکادمیک همه ما می‌باشد. اما مساله در این است که در اینجا از یک سو ادعای شود زبان ما قادر قواعد کلاسیک نگارش است و از سوی دیگر کسی را با فرهنگ غنی نگارش ترکی آشنا نمی‌سازد. هم از این روست که بسیاری از شعرا و نویسنده‌گان که با قواعد پیشین نگارش آشنا نیستند وقتی برای اولین بار نگارش ترکی را تجربه می‌کنند، گویی با حادثه‌ای نوین رویرو گشته‌اند و خودشان به ابداع قانون و قاعده دست می‌یازند. البته وجود بعضی اختلاف سلیقه‌ها را در شیوه‌های نگارشی باید طبیعی دانست. این مساله در همه زبانها وجود دارد». ^(۱)

جدال کهنه و نو نیز همواره از مباحثت بسیار داغ نقد ادبی بوده است. بحث‌هایی که عموماً نتیجه خاصی نیز دربر نداشته و می‌توان گفت که به انحراف کشیده شده است. صدیق، شاعری است که طبع خود را هم در قالب‌های کلاسیک و هم در قالب‌های نوین آزموده و خود را در قالب خاصی محدود ننموده است. او معتقد است که: «ادیات کلاسیک و آثار معاصر

۱. همان، ص ۱۵

او تنها راه احراق حقوق فرهنگی را اجرای کامل قانون اساسی می‌داند: «قانون اساسی ما، خون بهای شهیدانمان است. اصل ۱۵ قانون اساسی تدریس زبانمان را در همه کلاس‌ها و مقاطع تامین می‌کند این یک نص غیرقابل تغییر است. اما دولت تاکنون موفق به اجرای این اصل مهم نشده است. این را باید نقضان شمرد... اجرای قانون اساسی بر عهده قوه مجریه است و ما امیدواریم این قوه اقدامات ضروری برای اجرای آن را به عمل آورد. اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی، از مهمترین مطالبات مردم، به شمار می‌آید».^(۲)

«قانون بسیار صریح و روشن است ؟ به ظلم ملی اعمال شده از سوی رژیم گذشته نقطه پایانی نهاده است. در این اصل صراحتاً موهبت استفاده و بهره‌مندی علمی از زیان مادری، در مراکز آموزشی و رسانه‌ای به هر شهروند جمهوری اسلامی اعطای شده و قانون، دولت را موظف کرده است که موانع اجرای کامل این اصل را از میان بردارد و در اجرای کامل آن اهتمام بليغ ورزد».^(۳)

«باید اصل پانزدهم قانون اساسی به تمامی و با قدرت، به ویژه در شمال غرب کشور اجرا شود. در این کار بیش از این تعطیل و اهمال و سستی روانیست. تا دیر نشده، دولت باید ابتکار عمل را به دست گیرد».^(۴)

نظريات دکتر صدیق در مورد «پان ترکیسم» که امروزه مطرح ترین گفتمان در مورد مدافعان زبان و ادبیات ترکی است جالب می‌باشد. این واژه را ساخته و پرداخته غربیان می‌داند^(۴) و توهمنی می‌داند که اکنون دیگر حیات سیاسی ندارد!^(۵)

۱. مصاحبه‌های علمی پدرم، ص ۱۳.

۲. همان، ص ۲۶.

۳. همان، ص ۳۶.

۴. همان، ص ۸۸ و ۸۹.

۵. همان، ص ۸۵

لطفن آفر

علاقة به هویت قومی و پایبندی به آن، هیچ تناقضی با هویت ملی ندارد. ترکان ایران که از نظر قومی ترک و به این هویت خود علاقمندند هیچ تناقضی بین این علاقه و علاقه ملی و هویت ایرانی خود نمی‌بینند. اساساً ترک بودن و ایرانی بودن تناقضی با هم ندارند و هم عرض نیستند و اگر کسانی به خیال واهی دفاع از هویت ایرانی، بخواهند بین این دو تضاد ایجاد کنند مهلك ترین ضروریه را به ایران و هویت آن زده و باعث ایجاد شکاف بین قومیت‌ها و دوری آنان از هویت ملی خواهند شد. کسی که به هویت قومی خویش پایبند نیست در مقیاس بزرگ‌تر، به هویت ملی اش نیز لاقد خواهد بود. و نهایتاً از نظر هویتنی، لابالی‌گری را پیشه خواهد نمود.

پایبندی به هویت قومی را نباید به قومیت‌گرایی یا قومی شدن تعییر کرد، که طی آن «برخی از مجموعه‌ها توسط خود یا دیگران به عنوان خارجی درک و تعریف می‌شوند»^(۱) که اتفاقاً مهمترین نتیجه پافشاری بر تناقض فرهنگ و زبان قومی با فرهنگ ملی، همین قومی شدن خواهد بود.

تاكید بر قومیت، تعصب کور بر زبان به عنوان سمبول وحدت ملی، باستانگرایی و افسانه‌گرایی و در یک کلام ناسیونالیسم ارتجاعی، اندیشه‌ای بود که از زمان رضاشاه و در اوج آریایی بازی اروپایی وارد ایران شد. روشنفکرانی که برای تحصیل به اروپا رفته بودند در کوله بار خود این سوغات منفور را نیز به ارمغان آوردند. از این پس تمام مشکلات ایران خلاصه شد در مشکل الفبا، تعدد مذاهب و تعدد زبانها و علت عقب ماندگی

ادیبات، دو مقوله جدا از هم نمی‌باشد. البته که هر عصر نوین و معاصر ادبی باید از آفرینش‌های متاخر بهره علمی و سود ببرد. هرچند که این را نباید به تشویق عدم نگارش مضامین نوین تعییر کرد. فضولی در زمان خود، نوگرا بود ولی او نسیمی و یاختایی را تکرار و تقلید نکرد، بلکه از تجارب آنان بهره جست. ملایپناه واقف و سیدابوالقاسم نباتی نیز اینگونه بوده‌اند. آن‌ها نیز در عصر خود، منطبق بر مطالبات زمان خویشن اندیشیدند و آفریدند. اکنون نیز، در عصر حاضر، شاعر معاصر باید اهل درد و دارای روحیه‌ای مبارز باشد. شکی نیست که چنین شاعر و نویسنده‌ای باید فریادهای پدرانمان را که از اعماق قرون برمی‌خیزد، درونی ساخته به فریاد عصر خویش بدل گردد^(۲).

به نظر دکتر صدیق «هر نوع معاصرگرایی، از سنت گرایی ریشه می‌گیرد. وابستگی به سنن و مدرنیسم دوشیوه متضاد و جداگانه نیست. هر چند که بعضًا در هر دو شاخه افراط‌گرایانی نیز ظهور می‌کنند»^(۳)

و پایان سخن اینکه دکتر صدیق هر منشی که داشته و به هر شیوه‌ای که نگاشته باشد، تنها یک ایده‌آل و آرزو را در قلب خود پرورانده است و آن اعتلای فرهنگ و ادب ترکی در این سرزمین می‌باشد؛ و در یک کلام دکتر صدیق به آذربایجان و فرهنگ آن زنده است:

«آرزو دارم که قبل از مرگ، تاسیس رشته‌های تحصیلی دانشگاهی «زبان و ادبیات ترکی» و نیز تحصیل به زبان مقدس ترکی آذربایجانی را در مدارس ایران مشاهده کنم.»^(۴)

۱. همان، ص ۱۳ و ۱۴.

۲. همان، ص ۱۴.

۳. همان، ص ۵۴ و ۵۵.

اقتصادی نیز سیاست دوگانه و آذربایجان ستیزی، اصلی‌ترین مشخصه سیاست دولت‌های وقت بود. «در دوران سلطنت رضاشاه آذربایجان کم کم پیشگامی گذشته خود را در تجارت از دست داد. آذربایجان که زمانی یکی از عمده‌ترین استان‌های تجاری ایران بود در زمان رضاشاه تنها از حیث کشاورزی حائز اهمیت بود. روش سیاسی رضاشاه در تمرکز تجارت در تهران به اضافه مشکلاتی که بازگانان آذربایجانی در رابطه تجارتی خود با رژیم تازه بنیاد شوروی در آن سوی مرزهای شمالی داشتند از عوامل عمدۀ کاهش رونق تجاری این منطقه بود.

در سیاست صنعتی کردن رضاشاه، ایالات مرکزی ایران به اضافه مازندران که زادگاه وی بود، از اولویت برخوردار بودند. در نتیجه این سیاست اصفهان و مازندران به صورت مرکز صنایع نساجی ایران درآمدند و تهران به قلب تولید صنایع سنگین ایران تبدیل شد. طی سالهای ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ از بیست کارخانه جدیدی که در چهار شهر آذربایجان (تبریز، رضاییه، میاندوآب و مراغه) برپا شد تنها دو کارخانه از سرمایه‌گذاری مستقیم دولت برخوردار شده بود، در حالی که در همین مدت، حکومت در ایالات مرکزی و شمالی کشور برای بیست کارخانه از ۱۳۲ کارخانه تأسیس شده سرمایه‌گذاری کرده بود.

کاهش اهمیت تجاری و صنعتی آذربایجان باعث تشدید مهاجرت کارگران آذربایجانی به تهران شد.»

«سیاست رضاشاه تنها محدود به ممنوعیت زبان آذری نبود، بلکه به دنبال کاستن از اهمیت تجاری و صنعتی آذربایجان، در مدیریت امور شهری نیز بی‌توجهی‌های زیادی به این استان شد.»^(۱) بدین طریق حکومت جبارانه رضاشاه در پیوندی آشکار با روشنفکران ناسیونالیست همچون، فروغی،

۱. همان، ص ۱۸۶.

آن نیز هجوم «اعراب ملع خور» و «ترکان بیابانگرد وحشی». اینک باید برای اعتلای ایران قدم برداشته می‌شد. چاره چه بود؟ تبلیغ تغییر الفبا به لاتین و فرنگی شدن «از فرق سرتا نوک انگشتان‌پا» و مخالفت با مذهب اسلام^(۱)، نابودی و اضمحلال هر زبان و نیم زبانی غیر از فارسی^(۲) آنهم فارسی سره که برای عموم مردم غیرقابل فهم می‌نمود و فحاشی به ترک و عرب. و بدین ترتیب ملتی اختراع می‌شد به نام ایران که با چسب زبان فارسی به هم می‌چسبید.

البته مرور آثار و نوشه‌های این طیف از روشنفکر ناماها تقریباً ما را به این باور می‌رساند که درد آنها، درد ایران نبود بلکه هوچیگری‌شان بیشتر ریشه در نفرت از اتریک و اعراب داشت تا دلسوزی ایران^(۳). همانگونه که در بعد

۱. همان، ص ۸۵. نظرات کسری در مورد ادبیان.

۲. همان، ص ۸۸. سخنان کسری.

۳. «زبان ترک از برای از قفا کشیدن است

صلاح پای این زبان ز مملکت بریدن است

دو اسبه با زبان پارس از ارس پریدن است

نسیم صحبدم برخیز

بگو به مردم تبریز

که نیست خلوت زرتشت

جای صحبت چنگیز «عارف قزوینی - به نقل از ص ۱۷۱، همان.

«چه کسی آثار غنی و جهانگیر فردوسی، سعدی، مولوی و حافظ را با وراجی مهجور و

ناهنجار غارتگران ترک عوض می‌کند؟» عباس اقبال آشتیانی - به نقل از ص ۲۱۹، همان.

«فارسی باید همچنان زبان درکلیه مدارس دولتی باشد، زیرا ترکی صرفًا یادگار

شومی است از مغولان وحشی...» سید ضیاء - به نقل از ص ۲۱۹، همان.

ایرانیان در ایرانی بودن است نه فارسی زبان بودن. تاکید بر اسطوره‌های یک قوم خاص، آنهم اسطوره‌هایی که ارزش علمی و تاریخی آن امروز دیگر مردود شمرده می‌شود نمی‌تواند جزء خاستگاه داشته باشد یا از سر جهل

اندازه زبان ترکی در آذربایجان (ایالت همچو رکشور ترکیه) و توسعه نامعقول زبان عربی در خوزستان (ایالت همچو رکشور متجاوز عراق) حاد و خطیر بسیار اساسی است.» جواد شیخ‌الاسلامی - به نقل از همان، ص ۱۵۴.

این امر اگر با دقت و قاطعیت لازم انجام پذیرد، در عرض یک دوره پنجاه ساله عملی شدنی است... اگر زبان ترکی توانسته باشد زبان زیبای آذری را در مدتی کمتر از هفتاد سال از صحنه تغییر کند با بودن رسانه‌های مقندر گروهی و امکانات آموزشی وسیع که در دسترس زمامداران قرن کنونی (در هر کشوری) هست می‌توان زبان فارسی را در عرض مدتی مشابه (مثلًاً پنجاه یا سیصد سال) به نفوذ و گسترش سابقین رساند و با رخته دادن آن به عمق شهرها و روستاهای آذربایجان و زنجان این مشکل ملی و سیاسی را برای همیشه حل کرد. جواد شیخ‌الاسلامی، به نقل از همان، ص ۱۵۵.

در جزء وسایلی که برای کامیابی در این زمینه می‌توان به کاربرد تأسیس کودکستانهای میانجی و یاد دادن زبان فارسی (به عنوان زبان نخست) به کودکان شهرنشین و روستایی استانهای آذربایجان و زنجان و خوزستان است. چون زبانی که از بیچگی در ذهن اطفال ملکه شد دیگر به این زودی مغلوب زبانهای محلی نخواهد شد. نیز می‌توان جوانان کم سال آذربایجانی و زنجانی و خوزستانی (اعم از دختر و پسر) را به سیستم مبادله جوانان که در اروپا مرسوم است برای یکی دو سال در خانواده‌های محترم فارسی زبان که زبان متدالشان فارسی باشد به عنوان میهمان پذیرفت و از این راه به ترویج و تحکیم زبان فارسی میان این گروه سنی (۱۲ تا ۱۶ سال) کمک کرد. شیخ‌الاسلامی، به نقل از همان، ص ۱۵۵ و ۱۵۶.

کسری، مستوفی،^(۱) افشار، تقی زاده، ایرانشهر، بهار و ... سیاستهای ضد آذربایجانی خود را به پیش می‌برد، که بارزترین نتیجه آن، قومی شدن جامعه بود.

این‌بی عدالتی‌ها و خیالپردازی‌های دوران رضاشاهی در زمان محمد رضای مخلوع نیز ادامه یافت و زمینه‌های افتقاد و نفرت بین اقوام مختلف ایران را پدید آورد. اکنون نیز علیرغم اصول پذیرفته شده قانون و ارزش‌های موردن احترام عمومی^(۲) و نیز تعاریف علمی از ملیّت و وحدت ملّی، هستند بسیاری که از خواب خرگوشی عصر رضاشاهی سر بر نیاورده‌اند و نرگس مستشان خمار افسانه‌های آربیابی و خرابه‌های تخت جمشید است.^(۳) وحدت ملّی

۱. همان، ص ۱۸۶ و ۱۸۷، رفشار وی در استانداری و سایر برخوردها.

۲. «آنها بی که می‌گویند ما ملیّت را می‌خواهیم احیا بکنیم آنها مقابل اسلام ایستاده‌اند» امام خمینی، در جستجوی راه از کلام امام؛ از بیانات و اعلامیه‌های امام خمینی از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۱، دفتر یازدهم ص ۵۰، همان، ص ۱۲ و ۱۳. «... ملّی گرایی بر خلاف اسلام است. اسلام آمده است که همه را به یک نحو به آن نظر بکند همه جوامع را. ملّی گرایی این است که الان در امریکا بین سیاه و سفید دارد واقع می‌شود و این کارتری که دعوی این را می‌کند که من طرفدار بشر هستم این سیاهان را اینظور آزار می‌دهد. ملّی گرایی این است که بعضی از این دولتها عربی می‌گویند عربیت و نه غیر. ملّی گرایی این پان ایرانیسم است، پان عربیسم است. این برخلاف دستور خداست و برخلاف قرآن مجید است. ما که می‌گوییم جمهوری اسلامی، مجلس شورای اسلامی، برای اینکه از آن امامزاده ما معجزه‌ای ندیدیم» امام خمینی، پیامها و سخنرانی‌های امام خمینی در شش ماهه اول ۱۳۵۹ (تهران، انتشارات نور، بی‌تا) ص ۱۱۵.

۳. سرنوشت آتی زبان فارسی در بعضی از استانهای ایران حقیقتاً مسائله‌ای است بسیار حاد که باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد: از میان این گونه زبانهای محلی گسترش بیش از

می خوانند و از آن لذت می برند، خواند؛ چراکه بیماری مهلك قومگرایی سالهاست که ذهنیت آنان را مغشوš کرده است.

اینک وقت آن رسیده است که تاریخ شرق در شرق و توسط نخبگان بیطرف شرق نگاشته شود. مورخین دوران جنگ سرد دردهای ما را نخواهند دانست ؟ چه آنان که در بلوک غرب به نفع کاپیتالیسم قلم فرسایی می کردند چه آنان که در بلوک کمونیسم به نفع دیکتاتوری دیوارهای آنهنی به تحریف تاریخ مشغول بودند. به نظر ما، ایرانی نباید تحریفات کارمندان سازمان سیا نظیر دیوید نیسمان (Nissman) را درباره شخصیت‌های ما، دیگر بار تکرار کند.

تحریفاتی از این دست، کسی را حتی به پول و مقام و موقعیت هم نخواهد رسانید، گرچه امتحانش مجانی هم باشد...

اکنون بیش از یک دهه است که گفتمان جنگ سرد به فراموشی سپرده شده و بهتر است مولفان، بهنگام نگارش آثار خود، داده‌های مبتنی بر پیش فرض‌های جنگ سرد را از ذهنیت خود بزدایند و با در نظر گرفتن شرایط و گفتمان امروز، مطالب خود را برای نسل امروز بنگارند نه نسل جنگ سرد. باید دانست و پذیرفت که راز موفقیت و محبویت شخصیت‌های مردمی و میهنه‌ی مانند دکتر صدیق فقط در آن است که اینان پیوسته بر روی ریشه‌های خود ایستاده‌اند، به فکر منافع و موقعیت‌های خود نبوده‌اند، بلکه پیوسته به مردم و سرماین اندیشیده‌اند و مرزهای آرمانشان را پشت سر نگذاشته‌اند. از این جهت است که دشمنان این مرز و بوم و نوکران رنگ و وارنگ داخلی آنان، حضور او را بر نمی‌تابند و بعضی‌ها نیز که دنبال موقعیت و مقام و منافع شخصی و پیمودن نزدبانهای ترقی هستند، تئوری‌های آنها را لقلقه می‌کنند تا شاید از جوی که ایجاد می‌شود، بتوانند بهره‌برداری کنند.

است و یا از سر کین. هزینه‌ای که صرف تجدید چاپ آثار قومگرایانی چون کسری، آنهم در عصر حاضر می‌شود را جز اسراف چه می‌توان نامید؟ اگر کسانی خواسته‌های «روشنفکران آذری» برای تدریس زبان‌های بومی در مدارس و تدوین کتب درسی به زبان مادری را جرم می‌شمارند، آگاهانه یا ناآگاهانه به مخالفت با سیستم حاضر و قانون اساسی آن که در اصل ۱۵، آزادی تدریس ادبیات اقوام را در مدارس تصريح کرده است برمی‌خیزند؛ طبق تعاریف و پیش داوری‌هایی که مولفان کتابهایی چون «روشنفکران آذری و هویت ملی و قومی» دارند و در آن به روش‌نفکرانی چون دکتر صدیق می‌تازند که «اعتقاد داشت که باید کتابهای درسی به زبان مادری تدوین شوند و نسل جوان را با میراث افتخار آفرین آموزشی و ادبی آذری آشنا ساخت.»، قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز لابد قانونی استوار بر پندارهای قومگرایانه ترکان است.

اگر علاقه و تاکید حسین صدیق به عنوان یک نویسنده و ادیب، بر ادبیات و زبان مادری و ادبیات به اصطلاح «اشتیاق»^(۱) جرم و از نظر برخی قومگرایی تلقی می‌شود پس باید فاتحه همه آذربایجانیانی را که به زبان مادری خود علاقمندند و اشعار شهریار را به عنوان شاخص‌ترین چهره ادبیات «اشتیاق»

۱. «روشنفکران آذری و هویت ملی و قومی»، ص ۱۴۲. استناد به منابع جهت دارخاجی، آنهم منابعی که با هزینه سازمان‌های اطلاعاتی و در شرایطی خاص تالیف شده‌اند موجب رواج گفتمانی سیاسی زده در مسائل ادبی شده است. نگارنده کتاب فوق الذکر متوجه به خود زحمت نداده است که علاوه بر بولتن نیسمان به منابع داخلی نیز استناد کند و نتیجتاً غلط‌های فاحشی به نوشته هایش راه یافته است. او که به علت عدم آشنازی با منابع ایرانی ادبیات آذری، تنها به ترجمه آثار کلیشه‌ای انگلیسی بستنده کرده، ادبیات حسرت (حسرت ادبیاتی) را به اشتباہ، ادبیات اشتیاق(?) معرفی می‌کند! و با همین دید تحلیل‌های خود را ارائه می‌دهد.

مذابح

۱. کریمی، محمدرضا. *ائمه‌ی میزین آجیان یا راسی*، زنجان، ۱۳۷۷.
۲. ایمانی، بهروز. *سوز سو راغیندا*، تهران، پیام، ۱۳۷۸.
۳. همراز، رضا. *گول‌لر آچاجاق*، تهران، ۱۳۷۹.
۴. شیدا، یحیی. *ادبیات او جاغی*، ج ۲، تبریز، ۱۳۶۶.
۵. محمدزاده صدیق. *ائلدار*، مصاحبه‌های علمی پدرم، تهران، ۱۳۸۱.
۶. محمدزاده صدیق، ستار. *قaramجموعه و چالشهاي علمي*، تهران، ۱۳۸۱.
۷. صباحی، گنجعلی. *شعریمیز زمانلا آددیملایر*، تهران، ۱۳۶۰.
۸. ساهر، حبیب. *سحرای شیقلانیر*، تهران، ۱۳۵۸.
۹. هیئت، جواد. *آذربایجان ادبیات تاریخینه بیرباخیش*، تهران، ۱۳۶۹.
۱۰. چهره‌گشا، امیر. دکتر صدیق و اونون یارادی‌جیلیغی، دانشگاه تربیت معلم، تبریز، ۱۳۸۰.
۱۱. نیایش، امید. *آذربایجان و هویت*، تهران، ۱۳۸۰.
۱۲. سالک، حمید. درباره نمایشنامه‌های میرزا آقا تبریزی، انتشارات نوبل، تبریز ۱۳۵۶.
۱۳. مرشدی زاد، علی. *روشنفکران آذربایجان و هویت ملی و قومی*، تهران نشر مرکز، ۱۳۸۰.
۱۴. نائبی، محمد صادق. *قaramجموعه از منظر واژه شناسی*، تهران، ۱۳۸۰.
۱۵. Nissman , D. *The Soviet Union and Iranian Azerbaijan: The Use of Nationalism for Political Penetration* , London , Westview Press , 1987.